

ساختار، عامل و مشارکت سیاسی

دکتر سید محمدتقی آل‌غفور*

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۲۰

تاریخ تأیید نهایی: ۸۹/۲/۱۵

چکیده

مشارکت سیاسی با برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط تنگاتنگی دارد. بررسی میزان تأثیرگذاری این برنامه‌ها بر مشارکت سیاسی، مستلزم شاخص‌سازی مشارکت سیاسی از یکسو و تبیین برنامه‌ها از سوی دیگر است. در این مقاله، با تکیه بر مباحث نظری مشارکت سیاسی بر مبنای یافته‌های میلبرث و گوئل و با تمرکز بر شاخص انتخابات در مشارکت سیاسی، تلاش می‌کنیم تأثیر برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده، و بر پایه نتایج به دست آمده، چگونگی تقویت مشارکت سیاسی از طریق برنامه‌های توسعه را تبیین کنیم.

کلیدواژگان: مشارکت سیاسی، انتخابات، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ساختار، عامل.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم^(ع) (rahyaft.siasi@yahoo.com).

مقدمه

در نوشته حاضر، تلاش می‌شود تأثیر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر مشارکت سیاسی بررسی شود. به این منظور، ابتدا به‌طور اجمالی مباحث نظری مشارکت سیاسی بر مبنای یافته‌های میلبرث و گوئل^(۱) در زمینه مفهوم مشارکت سیاسی، و انواع و عوامل مؤثر بر آن را مرور می‌کنیم. سپس آن دسته از شاخص‌های مشارکت سیاسی را که از طریق برنامه‌های توسعه قابل احصا باشند، مورد بحث قرار می‌دهیم. در ادامه با واکاوی برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر تأثیر آن‌ها بر شاخص‌های مزبور، تلاش می‌شود تأثیر برنامه‌های توسعه بر میزان مشارکت سیاسی در کشور سنجش و ارزیابی شود.

در این جا ذکر یک نکته در سنجش مشارکت سیاسی ضروری است. به رغم آن که مشارکت سیاسی اشکال گوناگونی دارد و شرکت در انتخابات از ساده‌ترین رفتارهای مشارکتی است و نمی‌تواند ملاک واقعی مشارکت سیاسی باشد، اما محدودیت آمار و اطلاعات قابل دسترس، موجب شده است که در نوشتار حاضر شرکت در انتخابات شاخص مشارکت سیاسی قلم‌داد شود. علاوه بر این، باید اذعان کرد که انتخابات هم‌چنان مهم‌ترین، بارزترین و قابل اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است که از یک سو پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی قدرت سیاسی در جامعه به شمار می‌رود.^(۲)

۱. مشارکت سیاسی و عوامل آن

الف) مفهوم مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به آن دسته از فعالیت‌های شهروندان عادی اطلاق می‌شود که از طریق آن شهروندان درصدد تأثیرگذاری یا حمایت از حکومت و سیاست برمی‌آیند.^(۳) این تعریف می‌تواند وجوه گوناگون ارتباط مردم با حکومت را پوشش دهد. تأثیرگذاری می‌تواند هر دو دسته فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و چالش‌برانگیز را دربرگیرد. به این ترتیب، رفتار شهروندان خواه در قالب پیگیری امور از طرق مدنی‌ای چون فعالیت حزبی و شرکت در انتخابات و ارسال پیام باشد یا در چارچوب واکنش‌های اعتراض‌آمیز و شورش و خشونت قرار گیرد، به لحاظ تأثیر بالقوه و بالفعل آن بر

حکومت، می‌تواند مشارکت سیاسی قلم‌داد شود. از سوی دیگر، مشارکت سیاسی در این تعریف صرفاً به مشارکت فعالانه محدود نمی‌شود بلکه جنبه‌های صوری و منفعلانه با کارویژه صرفاً حمایتی را نیز شامل می‌شود. امتیاز این نگرش به مشارکت سیاسی به واسطه قابلیت کاربرد آن در فرهنگ‌های سیاسی گوناگون است که کارایی تعمیم شاخص‌های استخراجی از آن را افزایش می‌دهد.

میلبرث و گوئل درجه‌بندی مشارکت سیاسی به بی‌تفاوت‌ها به منزله کناره‌گیران از سیاست، ناظران به مثابه کسانی که مشارکت حداقلی در امور سیاسی دارند و گلا دیاتورها به معنی فعالان عرصه سیاسی را تک‌بعدی می‌دانند. به عقیده آن‌ها مفهوم‌پردازی تک‌بعدی از مشارکت سیاسی نمی‌تواند برای توضیح رفتار مشارکت کافی باشد. در عوض، آن‌ها تفکیک فعالیت‌های سیاسی به سبک‌های مختلف ارتباط شهروندان با سیاست و حکومت را پیشنهاد می‌دهند. بر این مبنای سبک‌های مشارکت سیاسی عبارتند از: رأی دهی، فعالیت انتخاباتی و حزبی، فعالیت اجتماعی، تماس با صاحب‌منصبان، اعتراض، و ارسال پیام.

سبک‌های فعالیت کاملاً از یک‌دیگر مجزا نیستند. مشارکت سیاسی شهروندان می‌تواند بیش‌تر از یک سبک را نیز دربرگیرد. این دسته‌بندی از فعالیت در امور سیاسی بهتر می‌تواند ابعاد مختلف مشارکت متعارف و غیرمتعارف را نشان دهد و از توصیف کلی دسته‌بندی سه‌گانه که پیشتر به آن اشاره شد فراتر می‌رود. جدول زیر وجوه ارتباط افراد با حکومت را باز می‌نمایاند:

جدول ۱-۲

وضعیت خروجی	داده‌ها			
تقاضا برای حکومت فعال؛ به ویژه دفاع از حقوق مدنی و تأمین فرصت‌های اقتصادی.	پیوستن و شرکت در تظاهرات خیابانی شورش در صورت ضرورت اعتراض شدید در صورتی که حکومت عملی خلاف اخلاق انجام دهد حضور در همایش‌های اعتراضی امتناع از رعایت قوانین ناعادلانه (آن‌ها همچنین در دیگر وجوه نیز فعال هستند).	معارضین	خلاف عرف و قواعد	فعال

مشارکت اختیاری در فعالیت اجتماعی بیش از آن‌که از حکومت برای تامین رفاه اجتماعی تقاضا نمایند.	همکاری با دیگران در مسائل محلی شرکت در یک گروه برای پیگیری و حل مشکلات محلی عضویت فعال در سازمان‌های اجتماعی. مسئولیت مستقیم در مسائل اجتماعی (این‌ها هم چنین به‌طور منظم در انتخابات شرکت می‌کنند).	فعالین اجتماعی	رفتار طبق قوانین و مقررات
وضعیت خروجی خاصی وجود ندارد.	حضور فعال برای حزب یا کاندیداها ترغیب و تشویق دیگران برای چگونگی رأی دادن حضور در همایش‌ها و تجمعات پرداخت کمک‌های مالی به حزب یا کاندیدا پیوستن و حمایت از حزب سیاسی نامزد شدن برای مسئولیت اداری. (آن‌ها هم چنین به‌طور منظم در انتخابات شرکت می‌کنند).	فعالین حزبی و بازرگانی	رفتار طبق قوانین و مقررات
مشاهده، بحث و انتقاد از فعالیت و عملکرد حکومت؛ وضعیت مراقبت و نگهداری.	نگهداشتن و توجه به اطلاعات راجع به سیاست شرکت در بحث‌های سیاسی نوشتن نامه برای روزنامه‌ها فرستادن پیام‌های حمایت یا مخالفت برای رهبران سیاسی (آن‌ها هم چنین به‌طور منظم در انتخابات شرکت می‌کنند).	تماس گیرندگان	
بیش‌تر در جستجوی پاسخ ویژه به نیازهای شخصی تا این‌که پیگیر شرایط کلی باشند.	تماس با مسئولان محلی و ملی در هنگام بروز مشکلات ویژه (آنها در موارد دیگر غیر فعال هستند).	متخصصین تماس	
حکومت محدود و مقید به قانون، تامین نظم عمومی، امنیت، رهبری، عدالت.	رأی دادن منظم در انتخابات علاقه مندی به کشور. نشان دادن میهن پرستی از طریق برافراشتن پرچم، شرکت در تظاهرات و غیره پرداخت تمامی مالیات‌ها.	رأی دهندگان و میهن پرستان.	حامیان منفعل
	رأی ندادن، عدم فعالیت دیگر عدم ورودی‌های میهن پرستانه.	غیرفعال	بی تفاوت

ب) عوامل مشارکت سیاسی

میلبرث و گوئل عواملی را که بر میزان مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند، به سه دسته محرک‌های محیطی، عوامل شخصیتی و پایگاه اجتماعی تقسیم می‌کنند. عوامل شخصیتی مساعد و نگرش مثبت شخص به سیاست، هم‌چون تعلق روان‌شناختی به امور عمومی، احساس وظیفه برای مشارکت در سیاست، هویت حزبی و گروهی و احساس تأثیرگذاری سیاسی، موجب می‌شود که وی خود را بیش‌تر در معرض محرک‌های محیطی قرار دهد. تمایل به مشارکت سیاسی نیز رابطه مثبتی با پایگاه اجتماعی فرد دارد؛ به طوری که هر چه شخص از پایگاه اجتماعی بالاتری بهره‌مند باشد، تمایل بیش‌تری به شرکت در امور سیاسی دارد. به طور معمول هر چه محرک‌های محیطی که فرد راجع به سیاست دریافت می‌کند بیش‌تر باشد، احتمال مشارکت سیاسی وی افزایش می‌یابد. به این ترتیب، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی رابطه زنجیره‌واری با یک‌دیگر دارند و از یک‌دیگر تأثیر می‌پذیرند.

با توجه به هدف این نوشته، از آن‌جا که نمی‌توان عوامل شخصیتی را با برنامه‌های توسعه سنجد، به آن پرداخته نمی‌شود. در واقع، توسعه غالباً از طریق پایگاه اجتماعی و محرک‌های محیطی بر عوامل شخصیتی تأثیر می‌گذارد، و ما در ادامه مقاله به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی متغیرهای درآمد، تحصیلات، شغل، محل اقامت، عضویت سازمانی، هویت اجتماعی، سن، جنسیت و مذهب را در بر می‌گیرد.

درآمد

رابطه مثبت درآمد با میزان مشارکت سیاسی تقریباً در تمامی فرهنگ‌ها صادق است. درآمد بیش‌تر احتمال تحصیلات عالی‌تر، تعامل با گروه‌های سیاسی و اجتماعی و دریافت محرک‌های محیطی بیش‌تر را افزایش می‌دهد؛ لذا امکان تمایل نگرش و عقاید فرد به سوی مشارکت در امور سیاسی نیز افزایش می‌یابد.

تحصیلات

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند افرادی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نسبت به کسانی که تحصیلات پایین‌تری دارند، میل بیش‌تری به مشارکت در امور سیاسی دارند. این امر به سبب تأثیری است که متغیر تحصیلات بر سایر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی می‌گذارد و آن‌ها را در جهت مشارکت سیاسی هدایت می‌کند.

تفکیک مشارکت سیاسی به سبک‌های شش‌گانه در فهم تأثیر متغیر تحصیلات بر مشارکت سیاسی کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کنند. تحصیلات بالا در حالی که همبستگی مثبتی با فعالیت‌های انتخاباتی، اجتماعی، ارتباطی و اعتراضی دارد، تأثیر مثبتی بر رأی دادن ندارد. فراتر از این، در برخی فرهنگ‌ها ارتقاء سطح تحصیلات بر رأی دادن اثر منفی دارد.

شغل

رتبه‌بندی مشاغل بر حسب درجه منزلت آن‌ها، حاکی از آن است که کسانی که از منزلت بالایی شغلی برخوردارند، گرایش بیشتری به مشارکت در سیاست دارند. معمولاً فعالیت متخصصین در سیاست بیشتر است و بعد از آن‌ها به ترتیب تجار، کارمندان، کارگران ماهر و غیرماهر قرار می‌گیرند. تأثیری که شغل از تحصیلات می‌پذیرد و اثری که بر درآمد می‌گذارد، رابطه آن با مشارکت سیاسی را تبیین می‌کند.

محل اقامت

برخلاف دیدگاه سنتی، صرف تعلق به محیط شهری و روستایی نمی‌تواند تعیین‌کننده مشارکت سیاسی باشد. نوع اجتماع است که بر اساس میزان ارتباطات، انسجام و منزلت ساکنین بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. بسته به جوامع گوناگون، این شرایط می‌تواند در محیط‌های روستایی و شهری یافت شود. بنابر این، استفاده از این شاخص بیش از هر چیز مستلزم درک زمینه بومی مورد مطالعه است.

عضویت سازمانی

مطالعات متعدد گویای آن است که نرخ مشارکت کسانی که عضویت سازمانی دارند، بسیار بیش‌تر از کسانی است که به عضویت سازمان‌ها درنیامده‌اند. این امر از سویی به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی یکسان و از سوی دیگر به سبب قدرت بسیج‌کنندگی سازمان است. به عبارت دیگر، هر چه شخص وابستگی‌های بیش‌تری داشته باشد، احتمال شرکت وی در فعالیت‌های سیاسی افزایش می‌یابد.

هویت اجتماعی

منظور از هویت اجتماعی مدت اقامت و تعلقات مادی افراد در اجتماع است. هرچه همبستگی فرد با اجتماع بیش‌تر باشد، مشارکت سیاسی وی افزایش می‌یابد. واژه هویت (identity) بیان‌گر چه کسی بودن است، و این از احتیاج بشر به شناخته شدن و

شناسانده شدن به چیزی یا جایی سرچشمه می‌گیرد. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک از جمله عناصر تشکیل‌دهنده هویت شمرده می‌شوند.^(۴)

ریچارد جنکینز ضمن فرآیندی دانستن هویت، در تعریف هویت اجتماعی چنین می‌نویسد: به طور خلاصه، این عبارت به شیوه‌هایی که به واسطه آن‌ها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست.^(۵)

همبستگی اجتماعی (social cohesion) عبارت است از میزان وحدت و انسجام در درون یک جامعه ملی که هنگام روبرو شدن با دشمنان خارجی یا مشکلات داخلی مشخص می‌شود.^(۶)

سن

نتیجه پژوهش‌های بسیاری در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مشارکت متعارف سیاسی به طور مستمر با بالا رفتن سن افزایش یافته، در میان‌سالی به اوج خود می‌رسد، و آن‌گاه به تدریج با رفتن به سمت پیری کاهش می‌یابد. در تبیین رابطه سن با مشارکت سیاسی، سه مؤلفه همبستگی با اجتماع، وقت کافی برای پرداختن به سیاست و رفاه مادی نقش اساسی ایفا می‌کنند. البته باید در نظر داشت که مشارکت سیاسی نامتعارف از قبیل اعتراض و شورش عمدتاً مختص جوانان است و با الگوی فوق منافات دارد.

جنسیت

یکی از مستدل‌ترین یافته‌های پژوهش اجتماعی، تمایل بیش‌تر مردان به شرکت در امور سیاسی است. این امر در بیرون گذاشتن زنان از حوزه عمومی و محدود کردن آن‌ها به نقش‌های خانوادگی ریشه دارد. افزایش سواد، درآمد و کار زنان در بیرون از خانه، به علاوه پیشرفت جنبش‌های آزادی‌خواهی زنان و ارتقای سطح آگاهی‌های آن‌ها، شکاف مشارکت میان زنان و مردان را کاهش می‌دهد.

مذهب

درک تأثیر واقعی مذهب بر رفتار سیاسی به دلیل هم‌پوشانی آن با دیگر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی دشوار است، اما در مجموع نتیجه پژوهش‌ها گویای تفاوت میزان مشارکت سیاسی میان پیروان مذاهب مختلف است.^(۷)

۲. محرک‌های محیطی

در میان طیف وسیعی از محرک‌های محیطی، میلبرث و گوئل از سطح نوسازی، قواعد بازی سیاست، نهادهای سیاسی خصوصاً ماهیت نظام حزبی، ویژگی‌های یک انتخابات معین و تفاوت‌های منطقه‌ای بحث می‌کنند. قواعد بازی سیاست بر افزایش رأی در پی قواعد آسان رأی‌دهی دلالت دارد. ماهیت نظام حزبی متضمن پنج قاعده برای افزایش مشارکت سیاسی است: رقابت بیش‌تر میان احزاب، نزدیکی بیش‌تر آراء، حجم بیش‌تر تبلیغات، اهمیت بیش‌تر انتخابات و تفاوت بیش‌تر میان کاندیداها. در رابطه با تفاوت‌های منطقه‌ای نیز از تأثیر تفاوت‌های اقلیمی، توپوگرافی و سنت و تاریخ سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی بحث شده است. در این میان، با توجه به هدف این نوشته و محدودیت‌های آماری، به سطح نوسازی و تا حد ممکن تفاوت‌های منطقه‌ای اشاره خواهد شد.

سطح نوسازی

منظور از نوسازی، نفوذ صنعت به جوامع سنتی است که سلطه نهادهای ثانویه از قبیل سازمان‌های داوطلبانه، اتحادیه‌ها، احزاب و ساختارهای دولتی را جایگزین نهادهای اولیه مانند خانواده، روستا و مراکز مذهبی می‌کند. افزایش سطح نوسازی، افزایش آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی را به دنبال دارد.

در میان مؤلفه‌های نوسازی، طبقه اجتماعی و زندگی سازمانی مؤلفه‌های توسعه اقتصادی هستند که بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارند. اگر توسعه اقتصادی به افزایش اندازه طبقات متوسط و بالا، و افزایش تعداد و فراگیر شدن سازمان‌های ثانویه بینجامد، مشارکت سیاسی در جامعه افزایش خواهد یافت. در این جا به دو مؤلفه فوق خواهیم پرداخت.

طبقه اجتماعی

در یک معنای عام مفهوم طبقه اجتماعی «حاوی نابرابری‌های شغلی، درآمد، مقام و منزلت و حیثیت اجتماعی است و ظرفیت سیاسی و فرهنگی و امثال آن را مورد توجه قرار می‌دهد، بدون آن‌که این نابرابری‌ها را از یک‌دیگر متمایز کند».^(۸)

۳. برنامه‌های توسعه اقتصادی و عوامل مشارکت سیاسی کارگزار

با توجه به شاخص‌های بیان‌شده در مورد عوامل مشارکت سیاسی کارگزار، در ابتدا تأثیر برنامه‌های توسعه بر پایگاه اجتماعی کارگزار و میزان مشارکت سیاسی آن بررسی می‌شود؛ سپس تأثیر عوامل محیطی بر مشارکت سیاسی کارگزار مطالعه می‌شود.

الف) پایگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی کارگزار

درآمد

افزایش درآمد سرانه به دلیل فراهم کردن سایر فرصت‌های اجتماعی و محرک‌های محیطی مؤثر در مشارکت سیاسی، رابطه مثبتی با آن دارد.^(۹) بنابر این، انتظار می‌رود که در نتیجه برنامه‌های توسعه و بهبود درآمد سرانه، مردم تمایل بیشتری به مشارکت در امور سیاسی داشته باشند، حال آن‌که روند شرکت مردم در انتخابات در مجموع رو به کاهش است و صدق این الگو را در ایران نشان نمی‌دهد. این امر نشان می‌دهد که متغیرهای دیگری وجود دارند که در جامعه ایرانی بایستی لحاظ شوند.

تحصیلات

تغییر در سطح تحصیلات را می‌توان با شاخص‌هایی چون میزان باسوادی بزرگسالان و سطح تحصیلات جمعیت فعال و بیکار نشان داد. جدول نشان می‌دهد که در پایان هر کدام از برنامه‌های توسعه میزان باسوادی بزرگسالان نسبت به قبل افزایش یافته است. توضیح شاخص سطح تحصیلات را جداول آماری مرکز آمار ایران روشن‌تر می‌کنند.^(۱۰)

بنابر این، آمار موجود در مجموع حاکی از بهبود سطح تحصیلات مردم در پی اجرای برنامه‌های توسعه در کشور است. ارتقاء سطح تحصیلات بر مشارکت سیاسی

تأثیر مثبت دارد اما رابطه مثبت آن با میزان رأی‌دهی به اثبات نرسیده است و حتی در برخی فرهنگ‌ها کاهش مشارکت در انتخابات را به دنبال دارد. این ویژگی استثنایی سبک مشارکتی رأی‌دادن در ایران تأیید می‌شود به گونه‌ای که افزایش سطح تحصیلات کاهش شرکت در انتخابات را در پی داشته است.^(۱۱)

سن

تغییرات سنی ایران طی اجرای برنامه‌های توسعه گویای سه نکته است:

اول، کاهش ضریب جوانی جمعیت؛

دوم، افزایش جمعیت ۶۴-۱۵ ساله و به طور خاص جوانان ۱۵-۲۹ ساله؛

سوم، افزایش سال‌مندان بالای ۶۵ سال.^(۱۲)

افزایش جمعیت ۱۵-۶۴ ساله تعداد بیش‌تری را واجد سن رأی‌دادن و فعالیت سیاسی می‌کند. از سوی دیگر، افزایش آرام سال‌مندان طبیعتاً باید کاهش تمایل آن‌ها به مشارکت سیاسی را به دنبال داشته باشد. میانگین سنی جوان کشور خصوصاً احتمال مشارکت سیاسی نامتعارف و فعالیت‌های اعتراض‌آمیز را افزایش می‌دهد. بنابر این، به نظر می‌رسد تغییرات توزیع سنی جمعیت کشور با نوسان شرکت مردم در انتخابات سازگار است. سیر نزولی مشارکت مردم در انتخابات تا حد زیادی ناشی از کاهش جمعیت میان‌سال به دلیل ورود آن‌ها به سن پیری، افزایش سال‌مندان و احتمال فزاینده کناره‌گیری آنان از سیاست و افزایش جوانان است که بیش‌تر آماده اشکال انتقادی مشارکت سیاسی هستند و در فرهنگ سیاسی ایران نیز عدم شرکت در انتخابات خود نوعی اعتراض به شمار می‌آید.^(۱۳)

محل اقامت

محل اقامت هر چند به طور ناقص اما تا حدی با ضریب شهرنشینی قابل بررسی است.^(۱۴) جمعیت شهری ایران از ۵۷/۷ درصد در پایان برنامه اول به ۶۸/۵ درصد در پایان سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. همان طور که در ابتدای فصل گفته شد، شهرنشینی ضرورتاً افزایش مشارکت سیاسی را به دنبال ندارد و ویژگی‌هایی چون میزان ارتباطات، انسجام و منزلت ساکنین نقش تعیین‌کننده‌تری در میزان مشارکت سیاسی دارند. رشد شهرنشینی در ایران به واسطه افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها و گسترش روستاها

و ادغام و تبدیل آن‌ها به شهر بوده است. بنابر این، شهرهای ایران بیش از آن که با مختصات شهری قابل مقایسه باشند، روستاهای بزرگ‌شده‌ای هستند که ساکنان ضمن حفظ ویژگی‌های روستایی فاقد انسجام و یکپارچگی پیشین خود بوده و در جامعه شهری نیز ادغام نشده‌اند. فقر مهاجران روستایی و حاشیه‌نشین شدن آنان، آن‌ها را در وضعیتی فروتر از منزلت قبلی آن‌ها قرار می‌دهد، ضمن آن‌که موجب دور ماندن آنان از امکانات ارتباطاتی می‌شود؛ لذا روند شهرنشینی در ایران نه به معنای افزایش انسجام و منزلت و ارتباطات، بلکه ظاهراً بیش‌تر در مسیری معکوس قرار دارد. بنابر این، طبیعی است که افزایش شهرنشینی، کاهش شرکت در انتخابات را به دنبال داشته باشد.

شغل

آن گونه که جدول‌های آماری^(۱۵) نشان می‌دهد، آهنگ تغییر در سطح مشاغل کندتر از آن است که منشاء تغییر خاصی در مشارکت سیاسی شود. در هر دو برهه زمانی مورد مقایسه، کارکنان ماهر و کارگران ساده به ترتیب بیش‌ترین درصد شاغلان را تشکیل می‌دهند و متخصصان سهم چندانی در اشتغال ندارند. برنامه‌های توسعه نیز تغییر قابل توجهی را ایجاد نکرده‌اند و حتی روند نزولی نیز داشته است. نمونه بارز آن مقایسه نوسان متخصصان و کارگران ساده است. در حالی که شمار شاغلان متخصص در سال ۱۳۸۵ رشد ۰/۷ درصدی نسبت به سال ۱۳۷۵ داشته است، شمار کارگران ساده نیز با رشد ۱/۱ درصدی همراه بوده است که حاکی از روند صعودی کارگران ساده نسبت به متخصصان است. این یافته با الگوی عام مشارکت سیاسی تطابق دارد. به عبارت دیگر، ساختار شغلی ایران گرچه در درجه اول سهم نسبتاً خنثایی در مشارکت سیاسی دارد، اما گرایش آن در مجموع به سوی کاهش مشارکت است، و با سیر نزولی شرکت در انتخابات نیز هماهنگی دارد.

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی را تا حد قابل قبولی می‌توان با بررسی مهاجرت‌ها در کشور ارزیابی کرد. این امر با ویژگی‌های فرهنگ ایرانی نیز که دل‌بستگی به دیار آبا و اجدادی را به تعلق به محل سکونت برتری می‌دهد، نیز سازگار است.

از دو جدول پیوست^(۱۶) می‌توان روند مهاجرت را قبل و بعد از برنامه اول توسعه با یکدیگر مقایسه کرد. روند مهاجرت در پایان برنامه اول توسعه افزایش قابل توجهی

یافته که خود کاهش تعلق اجتماعی را در پی دارد و بر مشارکت سیاسی تأثیر منفی بر جا می‌گذارد. این امر با سیر نزولی شرکت در انتخابات طی برنامه اول تجانس دارد. روند مهاجرت در سال دوم برنامه چهارم توسعه در جدول پیوست^(۱۷) نشان داده شده است. شمار کل مهاجران نسبت به سال ۱۳۷۵ افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته که حاکی از تحرک جمعیتی بالا است. زمان زیادی لازم است تا مهاجران در اجتماع محل سکونتشان ادغام شوند و هویت اجتماعی یکپارچه‌ای کسب کنند. جدول دوم نشان می‌دهد که مدت سکونت اکثر مهاجران کمتر از یک سال است و شمار مهاجرانی که از پنج سال بیش‌تر در محل سکونت جدید اقامت دارند با افزایش میزان اقامت کاهش می‌یابد که خود گویای بی‌دوام بودن مهاجرت‌ها است. این امر خصوصاً تأثیر خود را در انتخابات محلی بر جا می‌گذارد. از سال ۱۳۷۵ به بعد با سه دوره انتخابات شوراهای اسلامی و سه دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مواجه هستیم که سیر شرکت مردم در آن‌ها چه در انتخابات شوراهای و چه در انتخابات مجلس نزولی است. بنابر این، در رابطه با شاخص هویت اجتماعی نیز یافته‌های جامعه ایران نتیجه پژوهش‌های بین‌المللی را تأیید می‌کند.

جنسیت

تمایل کمتر زنان به مشارکت سیاسی ناشی از دور ماندن از عرصه عمومی است. افزایش تحصیلات و اشتغال، از مهم‌ترین مؤلفه‌های ورود زنان به حوزه عمومی است. اگر برنامه‌های پنج ساله توسعه موجب ارتقاء سواد و اشتغال زنان شده باشند، انتظار می‌رود مشارکت زنان در امور سیاسی نیز افزایش یابد. البته آماری از فعالیت سیاسی بر مبنای تفکیک جنسیتی تهیه نشده تا بتوان سیر نزولی یا صعودی شرکت زنان در امور سیاسی را نشان داد؛ اما نتیجه مطالعات میدانی صورت گرفته نشان می‌دهد که در جامعه ایرانی نیز سطح تحصیلات و اشتغال رابطه مثبتی با مشارکت سیاسی دارد. (برای نمونه ر.ک. مصفا، ۱۳۷۵)

جدول پیوست به روند تغییر میزان تحصیلات زنان در سال‌های ۱۳۶۵ (قبل از اجرای برنامه اول)، ۱۳۷۵ (بعد از اجرای برنامه اول) و ۱۳۷۷ (در آستانه اتمام برنامه دوم) می‌پردازد.^(۱۸)

به طور کلی، درصد باسوادی زنان در طول برنامه‌های توسعه، چه به صورت نرخ باسوادی بزرگسالان و چه به شکل تحصیلات عالی، رو به فزونی بوده است؛ اما از آنجا که معیار تحقیق حاضر به لحاظ محدودیت‌های آماری و فرهنگ سیاسی ایران شرکت در انتخابات است، بایستی توجه کرد که افزایش سطح تحصیلات ضرورتاً رابطه مثبتی با میزان رأی‌دهی ندارد. قبلاً نیز ذیل شاخص سطح تحصیلات نشان داده شد که افزایش تحصیلات در ایران، کاهش شرکت در انتخابات را به دنبال داشته است. بهبود تحصیلات در مورد جمعیت خاص زنان نیز همین نتیجه را داشته، و با کلیت رفتار انتخاباتی جامعه هماهنگ است.

اشتغال مؤلفه مهم دیگری است که در افزایش اقبال زنان به مسائل عمومی و امور سیاسی نقش بسزایی دارد. نرخ مشارکت اقتصادی زنان قبل از اجرای اولین برنامه توسعه ج.ا.ا تا سال چهارم برنامه چهارم، توسعه در جدول زیر نشان داده شده است و در مجموع حاکی از افزایش آرام اشتغال زنان است. ضمن این‌که سطح اشتغال به طور کلی بسیار پایین است. با توجه به افزایش آمار قبولی دختران در دانشگاه‌ها از سال ۱۳۷۷، افزایش سطح تحصیلات منجر به تغییر چشم‌گیری در وضعیت اشتغال نشده و تأثیر آن افزایش نرخ بیکاری زنان تحصیل‌کرده بوده است. بنابر این، مؤلفه اشتغال نیز نمی‌تواند در بهبود شاخص جنسیت از منظر مشارکت سیاسی در ایران اثر چندانی داشته باشد.

جدول ۲-۱۳. نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۰ساله و بیش‌تر

شرح	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۸	۱۳۸۱	۱۳۸۷
نرخ مشارکت اقتصادی	۸/۲	۹/۱	۱۱/۷	۱۰/۸	۱۶

منبع: مرکز آمار ایران

مذهب

بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ جمعیت اقلیت‌های دینی ایران کاهش یافته است. اما برخی مطالعات به رشد جمعیت مسلمانان سنی ناشی از نرخ بالای زاد و ولد در استان‌های سنی‌نشین اشاره و پیش‌بینی می‌کنند که توازن جمعیتی شیعه و سنی در این نواحی به سود سنی‌ها تغییر یابد. نتیجه یک مطالعه میدانی نشان می‌دهد که شرکت

مردم در انتخابات در استان‌هایی که از جمعیت اهل سنت بیش‌تری برخوردارند کمتر از استان‌هایی بوده است که در آن‌ها برتری با شیعیان است.^(۱۹) البته تا زمانی که آمارها تغییر قابل توجهی را در جمعیت اهل سنت گزارش ندهند، نمی‌توان تأثیر مذهب را در افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی مردم در بیست سال اخیر معنی‌دار قلم داد کرد.^(۲۰)

عضویت سازمانی

آمار موجود فقیرتر از آن است که بتوان روند عضویت سازمانی در کشور را سنجید و آن را طی برنامه‌های توسعه با هم مقایسه کرد. با این حال، منابع موجود تصویر معناداری از جای‌گاه عضویت سازمانی در کشور ارائه می‌دهند. گستردگی اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی و سایر سازمان‌های دارای عضو را می‌توان از طریق شمار کارکنان^(۲۱) آن‌ها درک کرد. شمار نازل کارکنان نهادهای فوق در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ گویای آن است که برنامه‌ریزی توسعه در ایران راه زیادی تا جا انداختن کنش سازمانی و جمعی در کشور دارد.^(۲۲)

تعداد سازمان‌های غیردولتی و شعبه‌های آن‌ها در کل کشور در سال ۱۳۸۳ یعنی پایان برنامه سوم توسعه، ۱۸۱۷ است، و در این میان شمار سازمان‌های نیکوکاری، امور خیریه و بشردوستانه ۱۱۴۲، ورزشی ۱۶۱، هنری ۱۸۴ و سایرین ۳۳۰ سازمان بوده است. اگر به این ارقام ۲۳۰ تشکل سیاسی را بیفزاییم، با عدد ۲۰۴۷ مواجه می‌شویم که فارغ از میزان عضویت و عمومیت آن‌ها رقم قابل توجهی برای کل کشور نیست.^(۲۳)

تعداد نیروی انسانی فعال سازمان‌های غیردولتی و شعبه‌های آن‌ها در کل کشور شاخص دیگری برای شناخت وضعیت عضویت سازمانی است. میزان این شاخص در سال ۱۳۸۳ در کل کشور ۲۹۱۲۷۱، شامل ۴۰۰۲۵ نیروی تمام وقت و ۲۵۱۲۴۶ نیروی پاره‌وقت است، و از سطح بسیار پایین عضویت سازمانی در کشور حکایت دارد.^(۲۴)

ب: عوامل محیطی و مشارکت سیاسی کارگزار

عوامل محیطی متعددی می‌تواند بر سطح مشارکت سیاسی کارگزار تأثیر بگذارد. از دیدگاه میلبرث و گوئل سطح نوسازی، طبقه اجتماعی، نهادهای سیاسی و تفاوت‌های منطقه‌ای از جمله عوامل محیطی مؤثر بر مشارکت سیاسی هستند. برنامه‌های توسعه می‌تواند بر عوامل محیطی مؤثر باشند که در این صورت به نوبه خود در افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی تأثیرگذار هستند.

طبقه اجتماعی

در مکاتب مختلف اقتصادی و جامعه‌شناسی، برای شناخت طبقات اجتماعی ملاک‌های متفاوتی برشمرده شده است. برخی به ملاک‌های عینی مانند درآمد، شغل، میزان تحصیلات، شیوه زندگی و شرایط سکونت اشاره کرده‌اند و بعضی عوامل ذهنی‌ای چون منزلت اجتماعی را مهم دانسته‌اند.^(۲۵) در شیوه‌ای که اکثر محققین تجربی برای تفکیک طبقات اجتماعی بر آن اتفاق نظر دارند چهار شاخص شغل به مثابه مهم‌ترین عامل، سطح و میزان تحصیلات، سطح درآمد و سبک زندگی برای شناخت گروه‌ها مد نظر قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها به تنهایی نمی‌توانند معرف طبقه اجتماعی باشند، بلکه ترکیب آن‌ها با یک‌دیگر است که از یک سو معرف‌هایی عینی محسوب می‌شود، و از سوی دیگر جامع‌ترین شاخص‌هایی است که در عمل قابل اندازه‌گیری و کنترل پذیراند.^(۲۶)

طبقه متوسط به دو دسته قدیم و جدید تقسیم می‌شود. طبقه متوسط قدیم خرده‌بورژوازی ملی و روحانیون را دربرمی‌گیرد. در مقابل، صاحبان مشاغل چون دیوانیان یا حقوق‌بگیران حکومتی، حقوق‌دانان، پزشکان، مهندسان، وکلا، اساتید دانشگاه، تکنیسین‌ها، و مدیران طبقه متوسط جدید را تشکیل می‌دهند.^(۲۷)

انصاری در مطالعه میدانی خود در اصفهان، بر اساس شاخص‌های یادشده نشان می‌دهد که طبقه متوسط جدید دارای تحصیلات عالی دانشگاهی (فوق دیپلم به بالا) است؛ شغل آن‌ها شامل پنج گروه مشاغل علمی، فنی و تخصصی، مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری، کارکنان امور اداری-دفتری، بازرگانی و خدماتی است و درآمد آن‌ها را عمدتاً حقوق ماهیانه تشکیل می‌دهد؛ در حالی که شیوه زندگی آن‌ها از درآمد و تحصیلات تأثیر می‌پذیرد و قابلیت تعیین‌کنندگی سه شاخص دیگر را ندارد.^(۲۸) روند افزایش تحصیلات عالی دارد.^(۲۹)

افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی در پی گسترش کمی مراکز آموزش عالی، شاخص دیگری است که ارتقاء سطح تحصیلات را بازمی‌نمایاند. جدول زیر افزایش چشم‌گیر دانشجویان را در طول اجرای برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد:^(۳۰)

جدول نمایانگر افزایش تحصیلات عالی در جامعه ایران در دوره جمهوری اسلامی است که به نوبه خود به گسترده‌گی طبقه متوسط کمک می‌کند.

معیار دیگر تعیین طبقه متوسط شغل آنان است. مشاغل طبقه متوسط اعم از قدیم و جدید کارمندان، تاجران خرده‌پا، کلیه پیشه‌وران و کاسب‌کاران، روحانیان و صاحبان مشاغل آزاد را در بر می‌گیرد.^(۳۱) جدول نشان می‌دهد^(۳۲) که طی اجرای برنامه‌های توسعه بر شمار صاحبان مشاغل طبقه متوسط افزوده شده و بدنه اصلی جامعه را این طبقه تشکیل می‌دهد.

اگر بپذیریم که طبقه فرودست را روستاییان، کارگران و نیروهای ماقبل سرمایه‌داری تشکیل می‌دهند،^(۳۳) آن‌گاه باید پذیرفت که با افزایش فزاینده شهرنشینی در طول اجرای برنامه‌های پنج‌ساله، از شمار فرودستان کاسته شده است. ضریب شهرنشینی در پایان برنامه اول توسعه به ۵۷/۷ افزایش یافت. این روند در طول برنامه‌های دوم، سوم و چهارم ادامه یافت، و در سال ۱۳۸۵ به ۶۸/۵ رسید.^(۳۴) جدول نیز گویای نسبت پایین شاغلین بخش کشاورزی، و به عبارتی روستاییان در برابر شاغلان دو بخش صنعت و خدمات است که خاستگاه شهری دارند.^(۳۵)

به این ترتیب، دو مؤلفه بنیادی شغل و تحصیلات بر گسترش طبقه متوسط دلالت دارند. این در حالی است که شاخص‌های رفاه اجتماعی از بدتر شدن توزیع درآمد و گسترش فقر در جامعه سخن می‌گویند. در واقع، بخش عمده‌ای از طبقه متوسط امکان اداره معاش خود حتی در سطح معمولی را ندارد اما این مؤلفه اقتصادی نمی‌تواند آن‌ها را از شمول طبقه متوسط خارج کند.^(۳۶) این دوگانگی اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی بر طبقه متوسط در ایران سایه افکنده است. در جامعه آماری انصاری که از میان مشاغل طبقه متوسط گزینش شده‌اند، اکثریت خود را به لحاظ اقتصادی جزء طبقه پایین ولی از نظر فرهنگی متعلق به طبقه متوسط می‌دانند.^(۳۷) رفتار سیاسی طبقه متوسط ناشی از این دوگانگی است که اعمال یک الگوی ثابت مشارکت سیاسی را درباره آن‌ها ناممکن می‌کند. به همین دلیل، برنامه‌ریزی توسعه گرچه موجب رشد طبقه متوسط شده است، اما در مجموع برخلاف انتظاری که از این طبقه وجود دارد، موجب افزایش مشارکت سیاسی نشده است؛ چنان‌که کاهش شمار رأی‌دهندگان در انتخابات این واقعیت را منعکس می‌کند.^(۳۸)

زندگی سازمانی

زندگی سازمانی به معنای فراگیر شدن سازمان‌های داوطلبانه، اتحادیه‌ها، احزاب و ساختارهای دولتی، به دلایل مختلفی چون فقدان فرهنگ جمعی در ایران هنوز جای

خود را پیدا نکرده است. بر اساس یک تلقی، سلطه گروه‌های نفوذ نیمه‌رسمی متعلق به الیگارشی به جای احزاب سیاسی، گسترش شبکه روابط حامی‌پروری در پرتو سلطه الیگارشی در سطوح مختلف نظام سیاسی، محدودیت شدید رقابت انتخاباتی از طریق اعمال نظارت، محدودیت اپوزیسیون، محدودیت شدید رقابت انتخاباتی به گروه‌های وابسته به حکومت و گرایش برخی به استفاده از شیوه‌های شبه نظامی و غیره،^(۳۹) موانع مهمی برای گسترش نهادهای ثانویه که بر مفاهیم و مذاکره بنا می‌شوند ایجاد می‌کند. علاوه بر محدودیت‌های یادشده، فقدان چارچوب نظری روشن برای طراحی روابط اجتماعی مدون و تأسیس نهادهای اجتماعی نظام اجتماعی امروز ایران را با تنگنای اساسی بی‌سازمانی اجتماعی مواجه کرده است.^(۴۰) نتیجه ضعف زندگی سازمانی کاهش مشارکت سیاسی بوده است که خود را در طول انتخابات نشان داده است.

تفاوت‌های منطقه‌ای

به رغم ناکامی در دسترسی به اطلاعات دقیق قابل استناد درباره رابطه برنامه‌های توسعه و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای بر مشارکت سیاسی جامعه ایرانی با توجه به فرهنگ سیاسی عشیره‌ای^(۴۱) ایرانیان نباید دور از انتظار باشد. بصیری و شادی‌وند در مطالعه میدانی رفتار انتخاباتی در حوزه انتخابیه دهلران، اهمیت فرهنگ قبیله‌ای این منطقه، علایق قومی و قبیله‌ای، هم‌زبانی با کاندیدا و پابندی به فرهنگ پدرسالاری را نشان داده‌اند.^(۴۲) در مطالعه‌ای دیگر صادقی در تحلیل سومین دوره انتخابات شوراها نشان می‌دهد مناطق کوچک و کمتر توسعه‌یافته شهری و روستایی از نرخ مشارکت سیاسی بالاتری برخوردار هستند. وی استدلال می‌کند مشارکت سیاسی در مناطق شهری کوچک‌تر و مراکز استانی بیش از هر چیز از مشارکت مستقل شبکه‌ای در بافتی از مناسبات خویشاوندی، قومی و طایفه‌ای تأثیر می‌پذیرد؛ در حالی که در مناطق شهری بزرگ امکان شکل‌گیری مشارکت شبکه‌ای کمتر است و اقبال کمتری به شرکت در انتخابات نشان می‌دهند.^(۴۳)

نکته قابل‌ذکر آن که برخلاف ادعاهایی که درباره منحصراً فرد بودن رفتار سیاسی جامعه ایران وجود دارد، سنجش متغیرهای محیطی حاکی از وجود شباهت بیش از تفاوت است. به عبارت دیگر، متغیرهای میلبرث و گوئل با مشارکت سیاسی در ایران هم‌خوانی قابل توجهی دارد.

در مجموع، مطالعه و بررسی شاخص‌های مربوط به پایگاه اجتماعی و عوامل محیطی نشان می‌دهد که علی‌رغم تصور اولیه، میزان مشارکت سیاسی در طول برنامه‌های توسعه رو به کاهش بوده است. هم‌چنان که بیان شد، در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) بر مبنای گزارش‌های اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، درآمد سرانه ایرانیان در پایان برنامه اول ۲۰۶,۷ هزار ریال برآورد شده است. نرخ باسواد بزرگسالان به ۷۱,۳ درصد بهبود یافته و نسبت شهرنشینی به ۵۷/۷ درصد بالغ شده است. جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال ۳۲/۳ درصد کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است و میزان افراد بالای ۶۵ سال ۱/۹ درصد کل جمعیت کشور است. ضریب جوانی جمعیت در پایان برنامه اول ۴۳/۰۱ درصد است. گزارش‌های اقتصادی اطلاعاتی درباره سایر شاخص‌های مشارکت سیاسی در اختیار قرار نداده است.^(۴۴)

در طول برنامه اول پنج دوره انتخابات برگزار شده است که میزان مشارکت مردم در آن‌ها به ترتیب ۵۴/۵۹، ۵۴/۵۱، ۳۷/۰۹، ۵۷/۸۱ و ۵۰/۶۶ درصد بوده است.^(۴۵) روند کاهش شرکت مردم در انتخابات تنها شامل انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی نمی‌شود، و در مجموع حاکی از کاهش تمایل مردم به مشارکت سیاسی است. از سوی دیگر، در پایان برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) درآمد سرانه مردم نسبت به برنامه اول افزایش یافت.^(۴۶) نرخ باسواد بزرگسالان با ۵/۷ درصد افزایش نسبت به برنامه اول به ۷۷ درصد ارتقا پیدا کرد. نسبت شهرنشینی با رشد ۵/۵ درصدی، به ۶۳/۲ درصد رسید. جمعیت ۱۵-۶۴ سال با رشد قابل توجهی به ۶۰/۴ درصد جمعیت کل کشور افزایش یافت. سال‌مندان بالای ۶۵ سال نیز به ۴/۵ درصد جمعیت کل رسید. میانگین سنی کشور در سال ۱۳۷۸، ۲۵/۷ سال است. ضریب جوانی جمعیت کاهش یافته و به ۳۵/۱ درصد رسیده است. همانند گزارش‌های برنامه اول، اسناد برنامه دوم نیز سایر شاخص‌های مشارکت سیاسی را پوشش نداده است.^(۴۷)

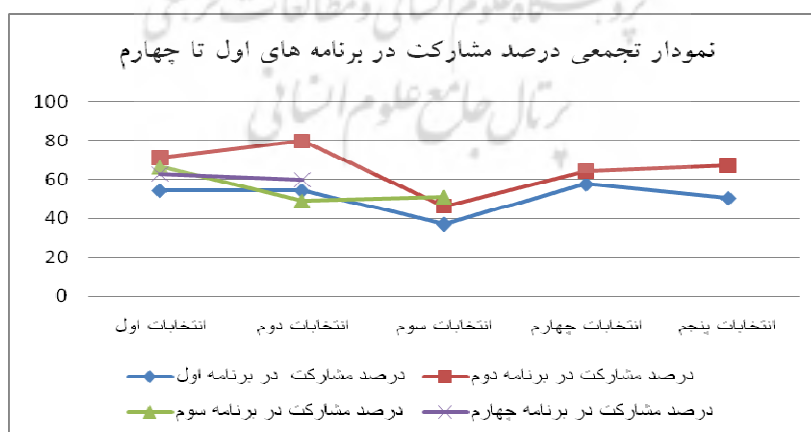
در طول برنامه دوم، پنج دوره انتخابات در کشور برگزار شده است که میزان شرکت مردم در آن‌ها به ترتیب ۷۱/۱، ۷۹/۹۳، ۴۶/۳۲، ۶۴/۴۲ و ۶۷/۳۵ درصد بوده است. به جز انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان، مشارکت مردم در انتخابات روند افزایشی داشته است؛ هر چند درصد شرکت مردم در انتخابات در دو دوره پایانی پایین‌تر از دو دوره آغازی است.^(۴۸) مطالعه برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نیز حکایت از این رابطه دارد. درآمد سرانه ایرانیان در پایان برنامه سوم ۵۵۰۹,۳ هزار ریال برآورد شده است. نرخ باسواد بزرگسالان با رشد ۴/۴ درصدی به ۸۱/۴ درصد ارتقا یافت. میانگین

سنی در سال ۱۳۸۳ به ۲۷ سال افزایش یافت. جمعیت ۱۵-۶۴ ساله با ۶/۲۹ درصد افزایش به ۶۶/۶۹ درصد جمعیت کل کشور رسید. نکته قابل توجه آن است که ۳۵ درصد این عده را جوانان ۱۵-۲۹ ساله تشکیل می‌دهند. شمار افراد بالای ۶۵ سال نیز همانند دوره‌های قبل افزایش پیدا کرد، و به ۴/۷ درصد جمعیت کل کشور رسید. ضریب جوانی جمعیت به ۲۸/۷ درصد کاهش یافته است. عدم ارائه اطلاعات درباره مشاغل و تحرک جمعیتی و وضعیت زنان در گزارش‌های اقتصادی این دوره نیز صادق است.^(۴۹)

در طول برنامه سوم توسعه سه دوره انتخابات برگزار شد که میزان شرکت مردم در آن‌ها به ترتیب ۶۶،۵۹، ۴۹،۲ و ۵۱،۲۱ درصد بوده است که مقایسه آن با دوره قبل در مجموع حاکی از کاهش مشارکت سیاسی است.^(۵۰)

آمار رسمی گزارش‌های اقتصادی دو سال اول برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز این رابطه را نشان می‌دهد. درآمد سرانه در سال ۱۳۸۵، ۶۱۳۶،۰ برآورد شده است. نرخ باسواد بزرگسالان به ۸۲ درصد ارتقا یافته است. نسبت شهرنشینی هم‌چنان روند صعودی را ادامه داده و به ۶۸/۵ درصد افزایش یافته است. جمعیت ۱۵-۶۴ سال با ۲/۰۱ درصد افزایش به ۶۹/۷ درصد جمعیت کل کشور رسیده است. میانگین سنی نیز به ۲۷/۲ در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. ضریب جوانی جمعیت با کاهش دوباره به ۲۵/۱ درصد رسیده است. در مورد سایر متغیرها نمی‌توان اطلاعاتی را از گزارش‌های اقتصادی استخراج کرد.^(۵۱)

تاکنون چهار دوره انتخابات طی سال‌های برنامه چهارم توسعه برگزار شده است که میزان شرکت مردم در دو انتخابات نخست به ترتیب ۶۲/۸۴، ۵۹/۷۶^(۵۲) است. سیر کاهشی درصد شرکت مردم در انتخابات نشان‌گر افزایش کناره‌گیری آن‌ها از مشارکت در امور سیاسی جامعه است.



برخلاف انتظاری که از گزارش‌های مفصل برنامه‌های توسعه وجود دارد، پوشش اطلاعاتی آن‌ها ضعیف است. این امر موجب می‌شود مقایسه تغییر در مؤلفه‌ها نتواند روند منطقی خود را طی کند و ناگزیر آمار سال‌های پراکنده‌ای که در دسترس است برای ادامه کار مورد توجه قرار گیرد. از گزارش‌های اقتصادی صرفاً شاخص‌های درآمد، سن، محل اقامت و میزان باسوادی بزرگ‌سالان که بخشی از شاخص سطح تحصیلات را توضیح می‌دهد، قابل استخراج است.^(۵۳)

همان‌گونه که جدول نشان می‌دهد، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به بهبود درآمد سرانه، میزان باسوادی بزرگ‌سالان و افزایش شهرنشینی منجر شده است. علاوه بر این، بر درصد جمعیت ۱۵-۶۴ ساله افزوده شده و ضریب جوانی جمعیت رو به کاهش است.

۴. تعامل ساختار کارگزار و مشارکت سیاسی کارگزار

مباحث قبل نشان می‌دهد که در گذر اجرای برنامه‌های توسعه، شاخص‌های مؤثر بر مشارکت سیاسی در کشور (به استثنای درآمد) شرایط را به سوی کاهش مشارکت سوق داده‌اند و این امر با شرکت (در مجموع پایین) مردم در انتخابات هم‌خوانی دارد. به گواه شاخص‌های مذکور، مشارکت سیاسی توأمان امری فردی-اجتماعی است و مجموعه‌ای از عوامل شخصی و محیطی بر آن تأثیر دارند. دقت در تعامل ابعاد دوگانه مشارکت سیاسی در شناخت این پدیده در ایران اهمیت بنیادین دارد. این امر نه تنها در تعیین نوع غالب مشارکت سیاسی در کشور، یعنی رأی دادن، دخالت دارد بلکه رفتار سیاسی را نیز تابع مجموعه عواملی فراتر از صرف ویژگی‌های فردی یا عوامل ساختاری محض می‌کند. در این چارچوب است که تحصیلات عالی به منزله یک امتیاز فردی وقتی نمی‌تواند در ساختار اجتماعی جای‌گاه خویش را بیابد، علی‌رغم افزایش آگاهی به حقوق و مسئولیت اجتماعی روی‌گردانی از سیاست را به دنبال می‌آورد؛ یا درآمد سرانه فرد با وجود بهبود نسبی در واکنش به نابرابری‌های اقتصادی، فرد را به بدبینی و دوری از سیاست می‌کشاند و قس علی‌هذا. تبیین‌های مختلفی از مشارکت سیاسی وجود دارد^(۵۴) و بسته به ارزش‌های مورد نظر محقق می‌توانند در این رابطه تفاسیر متفاوتی داشته باشند، اما در این جا مشارکت سیاسی در بستر توسعه مد نظر است. لذا میزانی از مشارکت مطلوب است که بتواند جامعه را در مسیر پیشرفت و توسعه هدایت کند. در این راستا استیگلیتز توسعه را به مفهوم مشارکت پیوند می‌زند.

وی معتقد است در توسعه همه‌جانبه مشارکت فقط در رأی دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه باید شرایط گفت‌وگوی آزاد و شرکت فعال در فعالیت‌های مدنی برای مردم فراهم شود. مشارکت لازمه نوسازی اجتماعی و توسعه همه‌جانبه است و بر اثربخشی برنامه‌های توسعه می‌افزاید.^(۵۵) در واقع، میان مشارکت سیاسی و توسعه بایستی رابطه‌ای متقابل وجود داشته باشد. از یک سو، برنامه‌های توسعه باید شرایط را برای افزایش مشارکت سیاسی آماده کنند، و از سوی دیگر کامیابی سیاست‌گذاری توسعه منوط به مشارکت فعالانه جامعه است. این مشارکت زمانی است که در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه به ویژگی‌های کارگزار توجه شود، زیرا افزایش مشارکت سیاسی منوط به رابطه تعاملی ساختار-عامل است. برای تبیین این رابطه و تأثیر آن در میزان مشارکت سیاسی، به مهم‌ترین ویژگی‌های کارگزار می‌پردازیم.

الف) ویژگی‌های کارگزار و مشارکت سیاسی

برنامه‌های توسعه در ارتباط با کارگزار معنی می‌یابد. کارگزار دارای شخصیت و هویت خاصی است که نمی‌توان آن را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه نادیده گرفت. از این جهت باید گفت که برنامه‌های توسعه جریانی یک سویه نیست بلکه در ارتباط و تعامل با کارگزار و ویژگی‌های اساسی آن است. این خصلت‌ها و ویژگی‌ها در جریان برنامه‌های توسعه از میان نمی‌رود بلکه در بسیاری از موارد تقویت نیز می‌گردد. برخی از ویژگی‌هایی که در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه توسط مسئولین تدوین برنامه‌های توسعه باید به آن توجه گردد به صورت زیر است.

۱. اراده و اختیار کارگزار

در رابطه تعاملی ساختار-عامل، آنچه از اهمیت اساسی برخوردار است، توجه به عنصر اراده، اختیار و حق انتخاب کارگزار است. در بحث ساختارگرایی بیان شده است که نظریه‌های ساختارمحور، بر ساخت‌ها و رابطه تعیین‌کنندگی ساختار به‌منزله متغیر مستقل و عامل انسانی به‌منزله متغیر وابسته تأکید می‌کنند. این نوع نگرش به رابطه ساختار-عامل، عملاً باعث ایجاد محدودیت و نوعی جبرگرایی و در نتیجه در نظر نگرفتن خصلت اراده و اختیار برای کارگزار می‌شود؛ در حالی که در هر نوع رابطه ساختار-عامل ما نه تنها با ساختارها بلکه با کارگزارانی مواجهیم که از ساختارها تأثیر

می‌پذیرند و بر آن‌ها تأثیر هم می‌گذارند. بر این اساس، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اگر به‌منزله جریانی یک‌سویه و بدون لحاظ نمودن ویژگی اراده و اختیار کارگزار تدوین و اجرا گردد، در واقع باعث نادیده گرفتن رابطه تعاملی ساختار-عامل و غفلت از تأثیرگذاری عامل بر ساختار می‌شود. در این راستا است که از نظر اسلام، انسان واجد اراده و اختیار است و عوامل ساختاری بر انسان تأثیر می‌گذارد؛ ضمن این‌که عوامل ساختاری ساخته انسان است و بقا و بازتولید آن به عاملان انسانی بازمی‌گردد. هم‌چنین از دیدگاه اسلام بین اختیار و اراده نباید خلط نمود، زیرا مراد از اختیار، انتخاب یکی از گزینه‌ها و اراده، معطوف به تصمیم‌گیری و انجام امر انتخاب شده است. از این منظر، برنامه‌های توسعه می‌توانند زمینه‌ساز مشارکت سیاسی و یا کُنش عاملان انسانی باشند و نمی‌توانند متغیر تعیین‌کننده کُنش سیاسی و یا تنها متغیر جهت‌دهی به آن باشند. این کُنش‌گر است که با محاسبه فرصت‌ها و محدودیت‌ها قواعد و منابع در دسترس، تصمیم به ایجاد کُنش می‌گیرد. به عبارت دیگر، اراده و اختیار اجزای رفتار و کُنش سیاسی محسوب می‌شوند و در نتیجه مشارکت سیاسی به ساختار-عامل مستند می‌شود و هر یک از ساختار و عامل به تنهایی باعث کُنش سیاسی نمی‌شوند و آن‌چه اهمیت می‌یابد توجه به هر دو و رابطه تعاملی آن‌ها در فرایندهای اجتماعی است که کُنش سیاسی را ایجاد می‌کند.

۲. آگاهی و بینش کارگزار

در مطالعه رابطه تعاملی ساختار-عامل، نوع نگاه و نگرش به عامل انسانی و کارگزاری وی حائز اهمیت است. در ادبیات کارگزارمحور، انسان موجودی است دارای آگاهی و قدرت تفسیر و شناخت محیط خویش در ادبیات اسلامی نیز توجه ویژه‌ای به مسأله فهم شده است. تنها انسان است که از امتیاز توانایی درک و شناسایی و رابطه انتولوژیک خود با وجود و سایر موجودات برخوردار است، و بر اساس همین توانایی است که در انسان احساس مسئولیت شکل می‌گیرد.^(۵۶) قدرت تأمل، بازاندیشی، انگیزه، آگاهی و احساس مسئولیت‌های اجتماعی وی در آن مؤثر هستند. بنابر این، فهم کُنش سیاسی کارگزار یا مشارکت سیاسی وی صرفاً از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه امکان‌پذیر است و باید آن را در ارتباط تعاملی با کارگزار مطالعه کرد. انتخاب کارگزار در انجام کُنش سیاسی و یا مشارکت سیاسی نیز متأثر از یادگیری راهبردی اوست که در طول زمان و برنامه‌های متعدد توسعه شکل گرفته است. به عبارت دیگر، مشارکت

سیاسی افراد تحت تأثیر تجارب سیاسی آنان در دوره‌های مختلف است. از دیدگاه جسوپ کُنش راهبردی عبارت است از «تعامل دیالکتیک کُنش‌گران صاحب اراده و آگاه ولی در عین حال محاط‌شده توسط ساختار و زمینه‌های از پیش شکل گرفته، هر چند کُنش‌ها درون محیط‌های ساخت‌مند تحقق می‌یابند، ولی کُنش‌گران دارای پتانسیل هر چند جزئی برای تغییر آن ساختارها از طریق کُنش‌هایشان هستند. این تأثیر کارگزاران بر ساختارها ممکن است آگاهانه و عمدی یا ناخواسته باشد».^(۵۷)

از سوی دیگر، میزان آگاهی کارگزاران از ساختارها و محیط اجتماعی متفاوت است هرچه میزان آگاهی‌ها، تجارب و یادگیری کارگزاران از کُنش سیاسی (مشارکت سیاسی) بیش‌تر مثبت باشد، بر میزان مشارکت سیاسی اضافه می‌گردد، و در صورتی که یادگیری راهبردی کارگزار از مشارکت سیاسی در طول برنامه‌های توسعه پاسخ‌گوی نیازهای اساسی وی نباشد، از میزان مشارکت سیاسی کاسته می‌شود.

۳. احساسات و باورهای کارگزار

یکی از جنبه‌های مهم دیگری که در رابطه تعاملی ساختار- کارگزار باید مورد توجه قرار گیرد، به احساسات و باورهای کارگزار در کُنش سیاسی یا مشارکت سیاسی مربوط است. از دیدگاه علامه طباطبایی، هستی انسان موجب یک سری احتیاجات می‌شود و ضمن آن‌که هستی وی توأم با یک‌سری احساسات درونی است که با اتکاء بر آن احساسات دست به اعتبارسازی می‌زند تا آن احتیاجات را با مداخله در جهان خارجی برطرف سازد.^(۵۸) بر این اساس، کُنش سیاسی کارگزار در واقع پاسخ به نیازهای کارگزار است، زیرا انسان موجودی نیازمند، نیت‌مند، هدف‌مند، عاقل و صاحب اراده است. در این صورت، برنامه‌های توسعه باید تأمین‌کننده نیازها و احساسات کارگزار باشد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه باید ناظر به مجموعه‌ای از نیازها و احساسات کارگزار باشد تا امکان مشارکت سیاسی فعال را فراهم سازد. از سوی دیگر، توجه به نیازها و احساسات کارگزار در برنامه‌های توسعه بر جنبه دیگر محیط ذهنی ادراکی، یعنی باورها تأثیرگذار است، زیرا باورها و اعتقادات کارگزار نقش اساسی را در نحوه مشارکت و تحقق به برنامه‌های توسعه دارد. اگر کارگزار در درون خود به این امر باور داشته باشد که مشارکت سیاسی فعال باعث افزایش کارآمدی نظام سیاسی و کاهش هزینه‌های آن می‌گردد، برخلاف اعتقاد و باور خود عمل نمی‌کند یا

دست‌خوش تردید نمی‌شود. برای رسیدن به این مرحله کارگزار باید برای مشارکت سیاسی خود دلایل قانع‌کننده‌ای داشته باشد، و در طول برنامه‌های متعدد توسعه به طور پیوسته از میزان باورهای کاذب کاسته و بر باورهای صادق افزوده شود. در این صورت است که می‌توان گفت در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه به رابطه‌ی تعاملی ساختار-عامل توجه شده، و در نتیجه در تدوین هر برنامه‌ی توسعه به آثار و پیامدهای برنامه‌ی قبلی توجه شده است.

ب) برنامه‌های توسعه و افزایش انتظارات کارگزار

حرکت جامعه به سوی توسعه و عملیاتی نمودن برنامه‌های توسعه، باعث افزایش تقاضا و انتظارات کارگزار می‌گردد. این روند به نوبه‌ی خود باعث ایجاد تعارضات و تضادهایی در سطح جامعه و روابط میان حاکمان و توده مردم می‌شود. این وضعیت در زمینه‌ی توسعه‌ی سیاسی و مقوله‌ی مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی کشور بیش‌تر نمود پیدا می‌کند. برای پیش‌برد برنامه‌های توسعه لازم است، توجه همه‌جانبه‌ای به سطح نیازها و خواسته‌های افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی داشته باشند. نظریه‌هایی که از سوی صاحب‌نظرانی مانند آلکسی دو توکویل و جیمز دیویس درباره‌ی چگونگی افزایش انتظارات در سطح جامعه و در نتیجه بروز انقلابات سیاسی و اجتماعی بیان گردیده است، می‌تواند ادبیات مفهومی مناسبی را در اختیار ما قرار دهد. این دو اندیشمند در مطالعات خود نشان می‌دهند که چگونه زمینه‌های اجتماعی و سیاسی باعث افزایش انتظارات و بی‌ثباتی سیاسی در کشورها می‌گردند.^(۵۹)

افزایش انتظارات کارگزار را می‌توان در برنامه‌های توسعه‌ی اول تا چهارم مشاهده کرد. این برنامه‌ها باعث ایجاد تغییر و تحول در شاخص‌های پایگاه اجتماعی مانند درآمد، تحصیلات، شغل، محل اقامت، عضویت سازمانی، هویت اجتماعی، سن و جنسیت گردیده است که هر یک به نوبه‌ی خود آثار و پیامدهای متفاوتی را در گُنش سیاسی کارگزار به همراه داشته است. از طرفی تأثیر برنامه‌های توسعه در سطح محرک‌های محیطی مانند سطح نوسازی و طبقه‌ی اجتماعی بیان‌گر تأثیرات قابل توجهی در کارگزار و در نتیجه گُنش سیاسی یا مشارکت سیاسی وی است. برای تبیین آثار برنامه‌های توسعه بر پایگاه اجتماعی و محرک‌های محیطی و به تبع آن افزایش انتظارات کارگزار، به صورت خلاصه به بررسی متغیرهای مورد بحث در سطح پایگاه اجتماعی و محیطی می‌پردازیم تا ارتباط آن با انتظارات کارگزار و مشارکت سیاسی وی مشخص گردد.

۱. پایگاه اجتماعی و افزایش انتظارات کارگزار

مطالعه شاخص‌های پایگاه اجتماعی در طول برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که کارگزار از سطح پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار گردیده است. در این قسمت به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

الف) تحصیلات

متعاقب برنامه سوم توسعه، شاهد ارتقای میزان تحصیلات از ابتدایی و راهنمایی و متوسطه به پیش‌دانشگاهی و عالی هستیم. افزایش سطح تحصیلات گرچه باعث افزایش آگاهی‌ها و بینش سیاسی کارگزار می‌گردد، ولی احساس رضایت از تحصیلات عالی در گرو به‌کارگیری آن در رده‌های شغلی متفاوت است، در حالی که جدول توزیع نسبی جمعیت شاغل و بیکار بر حسب وضع سواد و تحصیلات روند افزایش شغلی را نشان می‌دهد. برای مثال، در حالی که در سال ۱۳۷۹، ۸/۸٪ جمعیت دارای سطوح عالی بیکار هستند، این رقم در سال ۱۳۸۳ به ۱۴/۱٪ افزایش می‌یابد.^(۶۰)

ب) تغییرات سنی

تغییرات سنی جمعیت در طول برنامه‌های توسعه اول تا چهارم، نشان‌دهنده ایجاد تحول در باورها و انتظارات گروه‌های سنی و در نتیجه میزان مشارکت سیاسی فعال آن‌ها است. در حالی که جمعیت ۱۵-۶۴ سال در برنامه اول ۳/۳۲٪ است، در برنامه چهارم توسعه به ۷/۶۹٪ افزایش می‌یابد. این تحول سنی بیان‌گر آن است که اولاً میزان جمعیت جوان ۱۵-۲۹ ساله افزایش یافته است و از طرفی با گذشت زمان جمعیت افراد بالای ۶۵ سال بیش‌تر شده است. پیامد این تحول آن است که هرچه میزان جمعیت جوان افزایش یابد، میزان انتظارات آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و احتمال مشارکت سیاسی نامتعارف در قالب فعالیت‌های اعتراضی بالا می‌رود، و این امر نیز باعث می‌گردد که بر جمعیت معترض و منتقد کشور اضافه شود. این جمعیت رو به رشد که عمدتاً نسل‌های سوم به بعد را شامل می‌شود، از باورها و تفکرات نوینی برخوردارند، تقاضاهای جدیدی را نیز طلب می‌کنند، و باید در برنامه‌های توسعه به آن توجه شود؛ در غیر این صورت، می‌تواند کاهش مشارکت سیاسی متعارف را در پی داشته باشد.

از سوی دیگر، آمار نشان می‌دهد که با گذشت زمان، جمعیت سال‌مند کشور نیز افزایش می‌یابد. سیر نزولی مشارکت مردم در انتخابات تا حدی ناشی از کاهش جمعیت میان‌سال به دلیل ورود آن‌ها به سن پیری و افزایش جمعیت سال‌مند و احتمال کناره‌گیری آن‌ها از سیاست است. این تحولات سنی تا حد زیادی بر گنش سیاسی کارگزار تأثیر می‌گذارد که در یک رابطه تعاملی ساختار-عامل باید در برنامه‌های توسعه بعدی مورد توجه قرار گیرد.

محل اقامت و هویت اجتماعی

نگاهی به برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که روند جمعیت شهری کشور رو به افزایش بوده است. مهاجرت مردم از روستاها به شهرها تأثیر مستقیمی بر سطح انتظارات و در نتیجه گنش سیاسی آن‌ها داشته است. آنچه در روند رشد شهرنشینی در ایران رخ داده، عملاً باعث افزایش انسجام، امکانات و ارتباطات آن‌ها نگردیده است بلکه تا حد زیادی آن‌ها را با مسایل و مشکلات جدیدی مواجه ساخته که آن‌ها را در حد فاصل میان شهر و روستا قرار داده است. به عبارت دیگر، زندگی در شهر باعث افزایش انتظارات و تقاضاهای جدید شده است، اما زمینه‌ها و لوازم پاسخ به نیازها و انتظارات شهری در برنامه‌های توسعه ملاحظه نشده است، و در نتیجه تأثیر بر آن مشارکت سیاسی تا حدی منفی بوده است.

مسأله دیگری که در روند مهاجرت و تغییر اقامت باید به آن توجه شود، به رابطه هویت اجتماعی و شرکت در انتخابات و در نتیجه افزایش و یا کاهش مشارکت سیاسی مربوط است. بر اساس آمار سال ۱۳۶۵ تعداد مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب آخرین محل اقامت قبلی در نقاط شهری و روستایی در شهرستان‌های محل سرشماری ۱۶۱۴۸۵۳ نفر بوده، در حالی که در سال ۱۳۷۵ به ۳۱۸۸۷۵۳ نفر افزایش یافته است. مسلماً زمان زیادی لازم است تا مهاجران در محل جدید سکونت خود ادغام شوند و هویت اجتماعی یک‌پارچه‌ای کسب کنند. بنابر این، کاهش تعلق اجتماعی می‌تواند بر میزان مشارکت سیاسی آثار منفی داشته باشد. این وضعیت را می‌توان در انتخابات محلی به وضوح مشاهده کرد. برای مثال، از سال ۱۳۷۵، بررسی سه دوره‌ی انتخابات شوراهای اسلامی و مجلس شورای اسلامی، روند نزولی مشارکت را نشان می‌دهد.

مذهب

یکی از متغیرهای دیگری که در مطالعه پایگاه اجتماعی کارگزار مورد بررسی قرار گرفت، مذهب، نسبت جمعیت‌های مذهبی به یک‌دیگر و توجه به سازمان‌های مذهبی است. اساساً مقوله مذهب که ارتباط مستقیمی با ارزش‌ها و باورهای کارگزار دارد، تأثیر فزاینده‌ای بر کنش سیاسی وی نیز می‌گذارد. یک مطالعه میدانی نشان می‌دهد که شرکت مردم در انتخابات در استان‌هایی که از جمعیت سنی مذهب بیش‌تری برخوردارند، کمتر از استان‌هایی بوده است که در آن‌ها برتری با شیعیان است.^(۶۱) بعد دیگر مسأله که باید مورد توجه قرار گیرد، مربوط به نهادها و سازمان‌های مذهبی است. این نهادها و سازمان‌ها نقش مؤثری در بسیج نیروها برای شرکت مؤثر در انتخابات و مشارکت سیاسی فعال دارند. در هر برنامه توسعه باید جای‌گاه و نقش سازمان‌های مذهبی تقویت گردد و در یک رابطه تعاملی ساختار-عاملی مشخص گردد که تأثیرات برنامه‌های توسعه بر نقش و کارایی سازمان‌های مذهبی چگونه بوده است و در صورت کاهش کارایی آن‌ها در برنامه بعدی تمهیدات لازم لحاظ گردد.

ب) عوامل محیطی

سطح دیگر عوامل مؤثر بر افزایش انتظارات کارگزار و در نتیجه تأثیرگذار بر میزان مشارکت سیاسی وی، به عوامل محیطی مربوط است که در طول برنامه‌های توسعه از نمود بارزی برخوردار است. هم‌چنان که قبلاً اشاره شد، عوامل محیطی شامل طبقه اجتماعی می‌گردد که باید در یک رابطه تعاملی ساختار-عاملی به آن توجه نمود.

۱. طبقه اجتماعی

بررسی آمارها و مطالعات میدانی مشخص می‌سازد که متعاقب اجرای برنامه‌های توسعه، رشد طبقه متوسط در کشور از میزان قابل توجهی برخوردار بوده است. بر اساس جدول میزان دانش‌آموختگان که قبلاً بیان گردید، تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در برنامه اول ۷۴۱۷۰ نفر بوده در حالی که این تعداد در برنامه چهارم به ۱۵۱۲۸۹ نفر افزایش یافته است. اگر صرفاً این شاخص را در مورد رشد طبقه متوسط لحاظ کنیم، مشخص می‌گردد بخشی از افراد جامعه که خود را متعلق به طبقه متوسط می‌دانند، از نظر فرهنگی و پایگاه اجتماعی در سطح بالاتری قرار

گرفته‌اند و سطح انتظارات و توقعات آن‌ها نیز افزایش یافته است، در حالی که زمینه‌ها و عوامل پاسخ‌گویی به انتظارات فراهم نگردیده است. به عبارت دیگر، اگر دو مؤلفه اساسی شغل و تحصیلات را از نشانه‌های گسترش طبقه متوسط بدانیم، شاخص‌های رفاه اجتماعی حکایت از بدتر شدن توزیع درآمد و گسترش فقر دارد و طبقه متوسط امکان تأمین معاش خود را در سطح معمولی ندارد، این دوگانگی اقتصادی و فرهنگی در طبقه متوسط می‌تواند باعث رفتار سیاسی متفاوت از برنامه‌های پیش‌بینی شده توسعه باشد، و استمرار الگوی ثابتی از مشارکت سیاسی را ناممکن می‌سازد. بنابر این، با رشد طبقه متوسط باید بر میزان مشارکت سیاسی افزوده گردد، در حالی که روند معکوسی را داشته است.

۲. عضویت و زندگی سازمانی

روند افزایش عضویت سازمانی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر میزان مشارکت سیاسی کارگزاران داشته باشد. توجه برنامه‌های توسعه برای افزودن عضویت سازمانی ناکافی بوده است. این توجه می‌تواند بخشی از انتظارات کارگزار را برای مشارکت نهادمند در مسایل کشور پاسخ دهد. یک پژوهش میدانی نشان می‌دهد که حدود ۴۰٪ سازمان‌های غیردولتی دارای ۵۰ عضو و کمتر هستند. از سوی دیگر، رشد داوطلبی ۷۳٪ این سازمان‌ها کمتر از ۳۰٪ و حدود ۳۶٪ غیر رشدی کمتر از ۱۰٪ داشته است.^(۶۲) این کاهش رشد سازمانی نمی‌تواند افزایش مشارکت سیاسی و محقق شدن انتظارات کارگزار را در پی داشته باشد.

فرهنگ زندگی سازمانی می‌تواند رابطه مستقیمی با کنش سیاسی کارگزار داشته باشد. ایجاد و تقویت فرهنگ زندگی سازمانی، امکان شکل‌گیری نهادها و سازمان‌ها و تشکیلات و شکل‌گیری مشارکت شبکه‌ای را افزایش می‌دهد. توجه برنامه‌های توسعه با ایجاد و تقویت فرهنگ زندگی سازمانی می‌تواند به هویت و انسجام سازمانی کمک کند و از میزان پیامدهای ناخواسته مهاجرت به شهرها، یعنی کاهش انسجام جمعیت روستایی و تبدیل آن به علقه‌های پایین هویت شهری بکاهد. افزایش فرهنگ زندگی سازمانی و عضویت سازمانی می‌تواند به ایجاد فرهنگ سیاسی مشارکت نیز کمک کند که به نوبه خود باید در برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گیرد.

ج) ضرورت تحول برنامه‌های توسعه برای افزایش مشارکت سیاسی کارگزار

دستیابی به سعادت همه‌جانبه در گرو شناخت انسان، سیر سعادت، رشد و توسعه و ارائه رهنمودها، راهبردها و برنامه‌های کارآمد است.^(۶۳) اسلام برای به سعادت رسیدن انسان، عمران و آبادانی و حرکت به سمت توسعه را از وظایف و مسؤولیت‌های انسان می‌داند.

۱) با توجه به آیه «هو انشاء کم من الارض و استعمرکم فیها»^(۶۴) توسعه برای مؤمنین به قرآن امری ضروری است. البته برای تحقق این مهم باید به یک ملت مجال داد و کارهای آن‌ها را به دست آنان سپرد و وسایل و ابزار لازم را در اختیارشان گذاشت.^(۶۵) به نظر جامعه‌شناسان توسعه، مشارکت از شاخص‌های اصلی توسعه است. بر اساس آیات «شاوهم فی الامر و امرهم شوری بینهم»^(۶۶) و آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و نفی سلطه، مشارکت حق و تکلیف، هدف و وسیله، ضرورت و ارزش است. یعنی مردم نه تنها حق مشارکت دارند و نباید از این حق محروم شوند بلکه مکلف نیز هستند و باید در مسایل اجتماعی در تمامی سطوح مشارکت کنند. مشارکت را نمی‌توان به حوزه اجرا محدود کرد؛ چه مشورت به معنای استخراج رأی صحیح است^(۶۷) و بیش‌تر متناسب با مقام تصمیم‌گیری است. به همین دلیل مشورت و مشارکت در امور عمومی جزء برنامه‌های اساسی زندگی مسلمانان باید باشد.^(۶۸) و کار آنان باید به صورت مشورت انجام یابد.^(۶۹) در اهمیت شوری همین بس که در فرهنگ اسلامی مشورت که یکی از مصادیق مشارکت است، در کنار برگزاری نماز نشانه شده است.^(۷۰) به هر حال، در آیات و روایات مرتبط، تعبیرها به گونه‌ای است که مشارکت در امور عمومی باید به یک امر مستمر و نهادینه تبدیل شود، زیرا مشارکت است که به توسعه منتهی می‌شود. پیامبر(ص) می‌فرماید: «ما من رجل یشاور اجرا الا هدی الی الرشد»؛ «هیچ انسانی مشورت نکرد مگر آن که به رشد رهنمون گشت».^(۷۱)

۲) قانون اساسی ذیل عنوان شیوه‌های حکومت در اسلام خود را تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌داند و به دنبال گسستن از نظام استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. طبق بند ۸ از اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی موظف می‌شود همه امکانات خود را برای مشارکت عامه‌ی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش به کار برد. طبق بند ۳ از اصل ۴۳ تمامی افراد و شهروندان باید فرصت و توان

کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور را داشته باشد.

۳) امام در وصیت‌نامه خود در خصوص مشارکت در انتخابات چنین می‌گوید: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات چه انتخاب رئیس جمهور، چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخابات خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر در صحنه باشد.»

۴) رهبری در نامه خود مبنی به ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه به رئیس جمهور وقت (خاتمی) اعلام می‌دارد این سیاست‌ها با «اصرار مؤکد بر حضور و مشارکت مردم تنظیم شده و می‌تواند پایه و چارچوب معین و قابل تحقیقی برای پیشرفت و توسعه‌ی کشور باشد. بند ۲۳ از فصل سوم سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه از جمله سیاست‌های کلی را گسترش و تحقق بخشیدن روحیه تعاون و مشارکت عمومی... می‌داند.»

تأمل بر تأکیدات مزبور از یک طرف و مشاهده نتایج مشارکت مردم در انتخابات که طی اجرای برنامه‌های توسعه برگزار شد، معلوم می‌سازد که نتایج با تأکیدات هم‌خوانی ندارد و معلوم می‌دارد که مشارکت سیاسی هم در آستان برنامه و هم در مقام اجرا به منزله یک نقطه عزیمت الزامی و ارزشی دیده نشده و مورد پیگیری نیز قرار نگرفته است. لذا توصیه می‌شود در برنامه‌های توسعه بر مشارکت سیاسی به‌منزله ضرورت، ارزش، هدف و وسیله تمرکز گردد.

جمع‌بندی

در مجموع مطالعه و بررسی شاخص‌های مربوط به پایگاه اجتماعی و عوامل محیطی نشان می‌دهد که علی‌رغم تصور اولیه، میزان مشارکت سیاسی در طول برنامه‌های توسعه رو به کاهش بوده است. هم‌چنان که بیان شد، در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲) بر مبنای گزارش‌های اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، درآمد سرانه ایرانیان در پایان برنامه اول ۲۰۶,۷ هزار ریال برآورد شده است. نرخ با سواد بزرگ‌سالان به ۷۱/۳ درصد بهبود یافته و نسبت شهرنشینی به ۵۷/۷ درصد بالغ شده است. جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال ۳۲/۳ درصد کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است و میزان افراد بالای ۶۵ سال ۱/۹ درصد کل جمعیت کشور است. ضریب جوانی جمعیت در پایان برنامه اول ۴۳/۰۱ درصد است. گزارش‌های اقتصادی اطلاعاتی درباره سایر شاخص‌های مشارکت سیاسی در اختیار قرار نداده است.^(۷۲) همان‌گونه که اشاره شد، از میان سبک‌های مشارکت سیاسی صرفاً رأی‌دهی پایه این تحقیق است و میزان شرکت مردم در انتخابات معیار سنجش مشارکت سیاسی آنان قرار می‌گیرد.

در طول برنامه اول پنج دوره انتخابات برگزار شده است که میزان مشارکت مردم در آن‌ها به ترتیب ۵۴/۵۹، ۵۴/۵۱، ۳۷/۰۹، ۵۷/۸۱ و ۵۰/۶۶ درصد بوده است.^(۷۳) روند کاهش شرکت مردم در انتخابات، تنها شامل انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی نمی‌شود و در مجموع حاکی از کاهش تمایل مردم به مشارکت سیاسی است. از سوی دیگر، در پایان برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸) درآمد سرانه مردم نسبت به برنامه اول افزایش یافت.^(۷۴) نرخ باسواد بزرگ‌سالان با ۵/۷ درصد افزایش نسبت به برنامه اول به ۷۷ درصد ارتقا پیدا کرد. نسبت شهرنشینی با رشد ۵/۵ درصدی به ۶۳/۲ درصد رسید. جمعیت ۱۵-۶۴ سال با رشد قابل توجهی به ۶۰/۴ درصد جمعیت کل کشور افزایش یافت. سال‌مندان بالای ۶۵ سال نیز به ۴/۵ درصد جمعیت کل رسید. میانگین سنی کشور در سال ۱۳۷۸، ۲۵/۷ سال است. ضریب جوانی جمعیت کاهش یافته و به ۳۵/۱ درصد رسیده است. همانند گزارش‌های برنامه اول، اسناد برنامه دوم نیز سایر شاخص‌های مشارکت سیاسی را پوشش نداده است.^(۷۵)

در طول برنامه دوم پنج دوره انتخابات در کشور برگزار شده است و میزان شرکت مردم در آن‌ها به ترتیب ۷۱/۱، ۷۹/۹۳، ۴۶/۳۲، ۶۴/۴۲ و ۶۷/۳۵ درصد بوده است. به

جز انتخابات سومین دوره مجلس خبرگان، مشارکت مردم در انتخابات روند افزایشی داشته است؛ هر چند درصد شرکت مردم در انتخابات در دو دوره پایانی، پایین‌تر از دو دوره آغازین است.^(۷۶) مطالعه برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نیز حکایت از این رابطه دارد. درآمد سرانه ایرانیان در پایان برنامه سوم ۵۵۰۹٫۳ هزار ریال برآورد شده است. نرخ باسواد بزرگسالان با رشد ۴/۴ درصدی به ۸۱/۴ درصد ارتقا یافت. میانگین سنی در سال ۱۳۸۳ به ۲۷ سال افزایش یافت. جمعیت ۱۵-۶۴ ساله با ۶/۲۹ درصد افزایش به ۶۶/۶۹ درصد جمعیت کل کشور رسید. نکته قابل توجه آن است که ۳۵ درصد این عده را جوانان ۱۵-۲۹ ساله تشکیل می‌دهند. شمار افراد بالای ۶۵ سال نیز همانند دوره‌های قبل افزایش پیدا کرد و به ۴/۷ درصد جمعیت کل کشور رسید. ضریب جوانی جمعیت به ۲۸/۷ درصد کاهش یافته است. عدم ارائه اطلاعات درباره مشاغل و تحرک جمعیتی و وضعیت زنان در گزارش‌های اقتصادی این دوره نیز صادق است.^(۷۷)

در طول برنامه سوم توسعه سه دوره انتخابات برگزار شد که میزان شرکت مردم در آن‌ها به ترتیب ۶۶/۵۹، ۴۹/۲ و ۵۱/۲۱ درصد بوده است، و مقایسه آن با دوره قبل در مجموع حاکی از کاهش مشارکت سیاسی است.^(۷۸)

آمار رسمی گزارش‌های اقتصادی دو سال اول برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) نیز این رابطه را نشان می‌دهد. درآمد سرانه در سال ۱۳۸۵، ۶۱۳۶٫۰ برآورد شده است. نرخ باسواد بزرگسالان به ۸۲ درصد ارتقا یافته است. نسبت شهرنشینی هم‌چنان روند صعودی را ادامه داده و به ۶۸/۵ درصد افزایش یافته است. جمعیت ۱۵-۶۴ سال با ۲/۰۱ درصد افزایش به ۶۹/۷ درصد جمعیت کل کشور رسیده است. میانگین سنی نیز به ۲۷/۲ در سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. ضریب جوانی جمعیت با کاهش دوباره به ۲۵/۱ درصد رسیده است. در مورد سایر متغیرها نمی‌توان اطلاعاتی را از گزارش‌های اقتصادی استخراج کرد.^(۷۹)

تاکنون چهار دوره انتخابات طی سال‌های برنامه چهارم توسعه برگزار شده است که میزان شرکت مردم در دو انتخابات نخست به ترتیب ۶۲/۸۴، ۵۹/۷۶^(۸۰) می‌باشد. سیر کاهشی درصد شرکت مردم در انتخابات نشان‌گر افزایش کناره‌گیری آن‌ها از مشارکت در امور سیاسی جامعه است.

عامل دیگری که در تحلیل رابطه پیامدهای اقتصادی توسعه و مشارکت سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد، به ساختار بیمار اقتصاد ایران مربوط است. اقتصاد دولتی به ارث

رسیده از گذشته، باعث شد تا سطح کارآمدی بخش‌های مختلف اقتصادی کاهش یابد و در روند برنامه‌های توسعه، کشور دست‌خوش تعارض و تضاد در مسیر رشد و توسعه گردد. آنچه مسلم است، نوسانات اقتصادی بر معیشت مردم اثرات منفی می‌گذارد و حرکت جامعه و توسعه اقتصاد کشور به سمت اقتصاد پیشرفته را با چالش مواجه می‌سازد. ترسیم و تدوین برنامه‌های توسعه با شاخص‌های مدرن بدون توجه به سنت‌ها می‌تواند پیامدهای منفی بر سطح مشارکت سیاسی داشته باشد. هم‌چنین تدوین برنامه‌های توسعه بدون توجه به آثار و پیامدهای آن بر مردم می‌تواند باعث مشارکت منفی گردد. نوسانات اقتصادی اعم از تورم و رکود می‌تواند باعث ایجاد نارضایتی از برنامه‌های توسعه و در نتیجه کاهش مشارکت سیاسی گردد.

آنچه در برنامه‌های توسعه باید مورد توجه قرار گیرد، علت کاهش شرکت در انتخابات و کاهش مشارکت سیاسی است. به عبارت دیگر، علت افزایش بی‌تفاوتی و یا مشارکت منفی چیست؟ پاسخ به این سؤال را باید در نادیده گرفته شدن رابطه تعاملی ساختار-عامل در تدوین برنامه‌های توسعه دانست، زیرا زمانی که برنامه‌های توسعه تا حدی به صورت یک‌سویه تدوین می‌گردد، در واقع به آن بخش از تحول در ایستارها و باورها و محیط ذهنی-ادراکی کارگزار توجه کافی صورت نمی‌گیرد.

برنامه‌های توسعه باعث افزایش شاخص‌هایی از درآمد، تحصیلات و زمینه‌سازی برای تغییر و تحول در فرهنگ سیاسی کارگزار می‌گردد، اما تضادهای توسعه عملاً باعث فاصله طبقاتی، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و باورهای معطوف به گنش سیاسی و از طرفی افزایش توقعات و انتظارات کارگزار می‌گردد. در این صورت، کارگزار دارای نیازهای جدید سیاسی و اجتماعی است، و عدم توجه به آن‌ها در برنامه‌های توسعه باعث ایجاد بی‌اعتمادی و در نتیجه کاهش مشارکت سیاسی می‌گردد. به عبارت دیگر، در یک رابطه تعاملی، هدف از مشارکت سیاسی کارگزار، رسیدن به برخی از تقاضاها و تأمین نیازهای سیاسی اوست که در صورت برآورده نشدن آن‌ها باعث افزایش عدم تمایل، بی‌تفاوتی و یا حتی اعتراض به وضع موجود می‌گردد. در این وضعیت این سؤال وجود دارد که در تدوین برنامه‌های توسعه دوم به بعد تا چه میزان پیامدهای خواسته یا ناخواسته برنامه توسعه اول لحاظ گردیده است و تا چه میزان از تجارب برنامه‌های توسعه برای تدوین برنامه‌های بعدی توسعه در خصوص گنش سیاسی کارگزار استفاده شده است. در این جاست که باید برای افزایش مشارکت سیاسی

کارگزار به درخواست‌ها، انتظارات و نیازهای جدید در تدوین برنامه‌ها توجه نمود و در حرکتی دو سویه میان ساختار و کارگزار برنامه جدیدی را تدوین نمود و باید مشخص شود که با توجه به تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، برای حفظ و افزایش مشارکت سیاسی کارگزار چه نوع برنامه‌ای باید تدوین شود. این امر نیازمند برنامه‌های توسعه‌ای واقع‌بینانه براساس ویژگی‌های کارگزار و توجه به عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی است که در طول این مقاله به آن پرداخته شد.

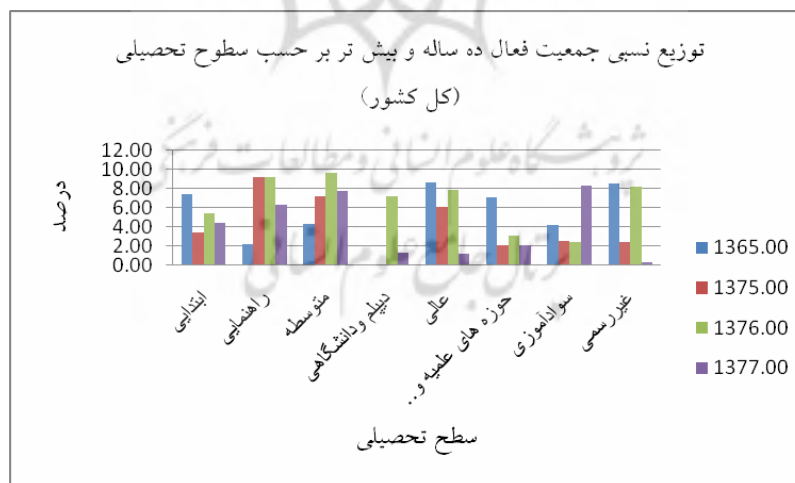


پی‌نوشت‌ها:

۱. لستر میلبرث و لیل گوئل، *مشارکت سیاسی*، ترجمه رحیم ابوالحسنی، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
۲. محمد عیوضی، «تیین مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، آذر و دی ۱۳۸۲، ش ۱۹۵-۱۹۶، ص ۷۵.
۳. لستر میلبرث، *پیشین*، ص ۱۲.
۴. علی آقابخشی و مینو افشاری راد، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵.
۵. ریچارد جنکینز، *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱، ص ۶-۷.
۶. علی آقابخشی و مینو افشاری راد، *پیشین*، ص ۵۴۱.
۷. برای بحث مفصل در مورد مشارکت سیاسی ر.ک. میلبرث و گوئل، *پیشین*، به ویژه ص ۱۸۲-۱۴۳.
۸. توسلی در انصاری، ۱۳۷۸، ص پنج.
۹. در این جا مقایسه صورت گرفته صرفاً به دلیل مطابقت با شاخص‌های عام مشارکت سیاسی است. در فصل پایانی بحث خواهد شد که توجه به شاخصی مانند بهبود درآمد سرانه بدون در نظر گرفتن هزینه‌ها نمی‌تواند برای توضیح مشارکت سیاسی در ایران کافی باشد و در کنار آن حتماً بایستی به توزیع درآمد و رفاه اجتماعی توجه شود.
۱۰. جدول اول روندی را ترسیم می‌کند که برای سنجش سطح تحصیلات بخش عمده‌ای از جمعیت در فواصل برنامه‌های اول و دوم توسعه مناسب است. میزان تأثیر برنامه اول توسعه را می‌توان مقایسه سطح تحصیلات جمعیت فعال در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نشان داد. به همین ترتیب، میزان اثربخشی برنامه دوم بر تحصیلات از آمار سال ۱۳۷۷ قابل استنتاج است.

جدول ۲-۲. توزیع نسبی جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب سطوح تحصیلی (کل کشور)

شرح	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
مرد و زن	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰
ابتدایی	۷/۳۷	۷/۳۲	۵/۳۵	۴/۳۴
راهنمایی	۲/۱۶	۹/۲۳	۹/۲۲	۶/۲۳
متوسطه	۴/۲۹	۷/۲۳	۹/۷	۷/۷
دیپلم و پیش دانشگاهی	۰/۰	۰/۰	۷/۱۶	۱/۱۸
عالی	۸/۶	۶/۱۱	۷/۹	۱/۱۰
حوزه‌های علمیه و علوم دینی	۷/۱	۲/۰	۳/۰	۲/۰
سوادآموزی	۴/۲	۲/۵	۲/۴	۸/۳
غیر رسمی	۸/۵	۲/۳	۸/۲	۰/۲



منبع: مرکز آمار ایران

اگر آمار سال ۱۳۷۹ را بیش تر مرهون برنامه دوم توسعه بدانیم، از اطلاعات جدول دوم می توان برای مقایسه نتایج برنامه های دوم و سوم بهره گرفت. مطابق جدول، برنامه سوم توسعه باعث ارتقاء سطح تحصیلات از ابتدایی و راهنمایی و متوسطه به پیش دانشگاهی و عالی شده است.

جدول ۲-۳. توزیع نسبی جمعیت شاغل و بیکار (جویای کار) ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب وضع سواد و تحصیلات (درصد)

۱۳۸۳		۱۳۸۲		۱۳۸۱		۱۳۷۹		وضع سواد و سطح تحصیلات
بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	بیکار	شاغل	
۹۶/۶	۸۶/۱	۹۶/۳	۸۵/۳	۹۵/۶	۸۳/۶	۹۲/۵	۸۰/۴	باسواد
۱۰/۴	۲۳/۶	۱۲/۳	۲۲/۴	۱۳/۴	۲۳/۶	۱۹/۱	۲۵/۶	ابتدایی
۱۸/۲	۱۹/۹	۲۱/۳	۲۰/۸	۲۲/۳	۲۰/۱	۲۴/۴	۱۸/۴	راهنمایی
۱۱/۳	۶/۴	۱۱/۱	۶/۹	۱۱/۸	۷/۴	۱۱/۳	۶/۵	متوسطه
۳۴/۲	۲۰/۱	۳۶/۶	۱۹/۶	۳۴/۵	۱۷/۸	۲۷/۲	۱۴/۴	پیش دانشگاهی
۲۱/۸	۱۲/۱	۱۴/۱	۱۲/۳	۱۲/۵	۱۰/۷	۸/۸	۱۰/۳	عالی
۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۳	حوزه های علمی و علوم دینی
۰/۵	۲/۸	۰/۶	۲/۱	۰/۷	۲/۶	۱/۲	۳/۴	سواد آموزی
۰/۱	۱/۰	۰/۲	۱/۰	۰/۲	۱/۲	۰/۵	۱/۴	غیر رسمی
۰/۰	۰/۰	//	//	۰/۱	//	//	۰/۱	نامشخص و اظهار نشده
۳/۴	۱۳/۹	۳/۷	۱۴/۷	۴/۴	۱۶/۴	۷/۵	۱۹/۶	بی سواد

منبع: مرکز آمار ایران

جدول سوم برآیند برنامه چهارم توسعه است و گویای افزایش تحصیلات عالی در میان شاغلان کشور است. کاهش قابل توجه شاغلین با مدرک پیش دانشگاهی نسبت به برنامه سوم در مقابل افزایش جمعیت ابتدایی و راهنمایی را بیش تر می توان به معطوف شدن این جمعیت به ادامه تحصیل تفسیر کرد تا معیاری برای کاهش سطح تحصیلات.

۱۱. جدول ۲-۴. برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیش‌تر برحسب وضع سواد و سطح تحصیلات: ۱۳۸۵ (هزار نفر)

شرح	مرد و زن (هزار نفر)
باسواد	۱۷۹۸۲
ابتدایی	۴۰۳۶
راهنمایی	۴۳۴۲
متوسطه	۵۲۱۱
پیش‌دانشگاهی	۱۶۸
عالی	۳۳۱۶
سوادآموزی بزرگسالان	۴۵۶
سایر دوره‌های تحصیلی، دوره تحصیلی نامشخص و اظهارنشده	۴۵۳
بی‌سواد	۲۴۹۵

منبع: مرکز آمار ایران

۱۲. جدول ۲-۵. جدول زیر روند تغییرات سنی جامعه ایرانی را در طول برنامه‌های چهارگانه توسعه نشان می‌دهد.

شاخص‌های سنی (درصد)	برنامه اول (۶۸-۷۲)	برنامه دوم (۷۴-۷۸)	برنامه سوم (۷۹-۸۳)	برنامه چهارم (۸۴-۸۸)
جمعیت ۱۵-۶۴ سال	۳۲,۳	۶۰,۴	۶۶,۶۹	۶۹,۷
جمعیت بالای ۶۵ سال	۱,۹	۴,۵	۴,۷	۵,۱۹
میانگین سنی	-	۲۵,۷	۲۷	۲۷,۲
ضریب جوانی جمعیت	۴۳,۰۱	۳۵,۱	۲۸,۷	۲۵,۱

منبع: گزارش‌های اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.

۱۳. به پتانسیل جوانان برای شرکت در ابعاد اعتراض‌آمیز مشارکت سیاسی بیش‌تر پرداخته خواهد شد.

۱۴. به دلیل فقر آمار، بررسی مختصات محل اقامت در این‌جا به ناچار به نسبت شهرنشینی محدود شده است.

۱۵. جدول زیر درصد شاغلان در بخش‌های عمده شغلی را در مقطع ۱۳۷۵-۱۳۸۵

ترسیم می‌کند. در سال ۱۳۷۵، تنها یک سال از برنامه دوم گذشته است، و برنامه بیش‌تر انعکاسی از نتایج برنامه اول توسعه است. سال ۱۳۸۵ نیز آخرین وضعیت برآوردی از برنامه چهارم توسعه را نشان می‌دهد. بنابر این، جدول می‌تواند تصویر مناسبی از نوسان سطح شغلی در طول برنامه‌های توسعه را ارائه نماید.

جدول ۲-۶. شاغلان ۱۰ ساله و بیش‌تر برحسب گروه‌های عمده شغلی

آبان ۱۳۸۵		آبان ۱۳۷۵		گروه عمده شغلی
درصد	تعداد* (هزار نفر)	درصد	تعداد (هزار نفر)	
۱۰۰/۰	۲۰۴۷۶	۱۰۰/۰	۱۴۵۷۲	جمع
۲/۹	۶۰۸	۲/۲	۳۲۵	قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران
۹/۴	۱۹۲۳	۸/۷	۱۲۶۳	متخصصان
۴/۶	۱۰۹۰	۳/۱	۴۵۷	تکنیسین‌ها و دستیاران
۴/۸	۹۱۳	۴/۲	۶۱۴	کارمندان امور اداری و دفتری
۱۲/۵	۲۶۰۲	۱۰/۲	۱۴۸۰	کارکنان خدماتی، فروشندگان فروشگاه‌ها و بازاها
۱۹/۲	۳۲۳۶	۲۰/۹	۳۰۴۳	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
۲۰/۷	۴۰۴۲	۲۰/۲	۲۹۴۲	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۱۱/۰	۲۴۰۲	۸/۹	۱۳۰۳	متصدیان (اپراتورها) ماشین‌آلات و دستگاه‌ها، مونتاژکارها و رانندگان وسایل نقلیه
۱۴/۳	۲۵۶۱	۱۳/۲	۱۹۳۱	کارگران ساده
۲/۳	۱۰۹۹	۸/۳	۱۲۱۳	سایر و اظهار نشده.

* اطلاعات سال ۱۳۸۵ به استثنای درصد متخصصان که مستخرج از گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵ است برآوردی است.

منبع: مرکز آمار ایران.

۱۶. جدول ۲-۷. مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته برحسب آخرین محل اقامت قبلی در نقاط شهری و روستایی: ۱۳۶۵.

شرح	کل	شهرستان‌های سایر استان‌ها (بین استانی)		شهرستان‌های محل سرشماری		سایر شهرستان‌های استان محل سرشماری (داخل استانی)	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۵۸۲۰۶۲۵	۱۸۷۲۳۵۰	۳۲/۱	۱۶۱۴۸۵۳	۲۷/۷	۱۴۰۵۴۴۴	۲۴/۱
شهری	۴۰۴۲۹۰۲	۱۵۰۶۸۰۴	۳۷/۲	۱۰۲۶۹۴۳	۲۵/۴	۹۷۲۷۰۵	۲۴/۰۵
روستایی	۱۷۷۷۷۲۳	۳۶۵۵۴۶	۰۲/۵	۵۸۷۹۱۰	۳۳/۱	۴۳۲۷۳۹	۲۴/۳

منبع: مرکز آمار ایران

۱۷. جدول ۲-۸. مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته برحسب آخرین محل اقامت قبلی در نقاط شهری و روستایی: ۱۳۷۵.

شرح	کل	شهرستان‌های سایر استان‌ها (بین استانی)		شهرستان‌های محل سرشماری		سایر شهرستان‌های استان محل سرشماری (داخل استانی)	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل	۸۷۱۸۷۷۰	۲۹۳۹۹۲۱	۳۳/۷	۳۱۸۸۷۵۳	۳۶/۵	۲۳۰۷۱۹۱	۲۶/۴
شهری	۶۱۲۲۶۷۵	۲۲۵۰۱۷۸	۳۶/۷	۲۰۴۰۸۵۱	۳۳/۳	۱۶۶۱۰۴۷	۲۷/۱
روستایی	۲۵۹۶۰۹۵	۶۸۷۷۴۳	۲۶/۵	۱۱۴۷۹۰۲	۴۴/۲	۶۴۶۱۱۴	۲۵/۰

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۲-۹. مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب آخرین محل اقامت قبلی و محل اقامت فعلی - ۱۳۸۵

آخرین محل اقامت قبلی	کل کشور		محل اقامت فعلی	
	تعداد	درصد	ساکن در نقاط شهری	
			تعداد	درصد
کل مهاجرین	۱۲۱۴۸۱۴۸	۱۰۰/۰۰	۸۹۹۹۷۱۰	۷۴/۰۸
داخل کشور	۱۱۷۸۳۷۷۲	۱۰۰/۰۰	۸۷۱۵۷۱۹	۷۳/۹۶
شهر	۸۳۸۹۶۷۶	۱۰۰/۰۰	۶۳۸۵۶۶۵	۷۶/۱۱
آبادی	۳۳۹۴۰۹۶	۱۰۰/۰۰	۲۳۳۰۰۵۴	۶۸/۶۵

منبع: مرکز آمار ایران

جدول ۲-۱۰. توزیع مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته بر حسب مدت اقامت و ساکن در نقاط شهری و روستایی ۱۳۸۵

محل اقامت فعلی				کل کشور		آخرین محل اقامت قبلی
ساکن در نقاط روستایی		ساکن در نقاط شهری		درصد	تعداد	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰/۰۰	۳۱۴۸۴۱۹	۱۰۰/۰۰	۸۹۹۹۶۹۹	۱۰۰/۰۰	۱۲۱۴۸۱۱۸	جمع
۲۵/۵	۸۰۳۹۵۷	۱۹/۱	۱۷۲۲۸۶۸	۲۰/۸	۲۵۲۶۸۲۵	کمتر از یک سال
۱۲/۳	۳۸۷۶۸۳	۱۱/۱	۹۹۸۶۹۶	۱۱/۴	۱۳۸۶۳۷۹	یک سال
۱۲/۷	۳۹۹۱۸۰	۱۲/۳	۱۱۰۳۲۸۹	۱۲/۴	۱۵۰۲۴۶۹	دو سال
۱۱/۰	۳۴۷۷۴۴	۱۱/۵	۱۰۳۵۸۰۶	۱۱/۴	۱۳۸۳۵۵۰	سه سال
۹/۳	۲۹۱۲۹۴	۱۰/۲	۹۱۷۵۳۵	۱۰/۰	۱۲۰۸۸۲۹	چهار سال
۸/۷	۲۷۵۱۲۵	۱۰/۶	۹۵۱۰۲۴	۱۰/۱	۱۲۲۶۱۴۹	پنج سال
۶/۳	۱۹۸۱۷۵	۷/۶	۶۸۲۴۶۱	۷/۳	۸۸۱۲۳۶	شش سال
۵/۳	۱۶۵۴۶۸	۶/۵	۵۸۴۰۳۴	۶/۲	۷۴۹۵۰۲	هفت سال
۵/۲	۱۶۴۰۸۳	۶/۵	۵۸۴۴۶۸	۶/۲	۷۴۸۵۵۱	هشت سال
۳/۳	۱۰۳۴۰۸	۴/۴	۳۹۸۶۲۳	۴/۱	۵۰۲۰۳۱	نه سال
۰/۴	۱۱۷۰۲	۰/۲	۲۰۸۹۵	۰/۳	۳۲۵۹۷	اظهار نشده

منبع: مرکز آمار ایران

۱۸. جدول ۲-۱۱. توزیع نسبی جمعیت فعال زنان ۱۰ ساله و بیش‌تر بر حسب سطوح تحصیلی (کل کشور).

شرح	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۷۷
زن	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰
ابتدایی	۲/۱۹	۱/۲۴	۰/۳۱
راهنمایی	۰/۹	۴/۱۱	۷/۱۱
متوسطه	۹/۴۸	۲/۲۸	۸/۳
دیپلم و پیش دانشگاهی	۰/۰	۰/۰	۸/۱۹
عالی	۹/۱۳	۸/۲۳	۸/۱۹
حوزه‌های علمیه و علوم دینی	۵/۲	۱/۰	۰/۰
سواد آموزی	۶/۵	۶/۱۰	۷/۸
غیر رسمی	۰/۱	۹/۰	۳/۰

سطح تحصیلات زنان در سال ۱۳۸۵ (بعد از اجرای برنامه سوم و در سال‌های اولیه برنامه چهارم) در جدول زیر برآورد شده است:

جدول ۲-۱۲. برآورد شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر بر حسب جنس، وضع سواد و سطح تحصیلات: ۱۳۸۵ (هزار نفر)

جنس و وضع سواد و سطح تحصیلات	زن
جمع	۲۷۸۲
باسواد	۲۴۴۰
ابتدایی	۳۶۲
راهنمایی	۲۵۵
متوسطه	۶۱۹
پیش‌دانشگاهی	۴۱
عالی	۱۰۲۰
سوادآموزی بزرگسالان	۹۸
سایر دوره‌های تحصیلی، دوره تحصیلی نامشخص و اظهارنشده	۴۵
بی‌سواد	۳۴۲

منبع: مرکز آمار ایران

۱۹. رضی، ۱۳۸۰.

۲۰. جدول ۲-۱۴ جمعیت بر حسب دین ۱۳۸۵-۱۳۷۵

سال	کل کشور	مسلمان	زرتشتی	مسیحی	کلیمی	سایر	اظهارنشده
سال ۱۳۷۵	۶۰۰۵۴۸۸	۵۹۷۸۸۷۹۱	۲۷۹۲۰	۷۸۷۴۵	۱۲۷۳۷	۵۷۵۷۹	۸۹۷۱۶
سال ۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۷۰۰۹۷۷۴۱	۱۹۸۲۳	۱۰۹۴۱۵	۹۲۵۲	۵۴۲۳۴	۲۰۵۳۱۷

۲۱. کارکنان به دو دسته کارکنان بامزد و کارکنان بدون مزد تقسیم می‌شوند. کارکنان بامزد افرادی هستند که در ازای کاری که برای سازمان به طور تمام‌وقت یا پاره‌وقت انجام داده‌اند، مزد و حقوق معینی دریافت نموده‌اند. مدیران، اعضای هیأت مدیره، سهام‌داران، مالکین یا شرکای سازمان که در ازای کار در سازمان حقوق دریافت می‌کنند نیز در این گروه منظور می‌شوند. کارکنان بدون مزد شامل مالکان، شرکای فعال و کارکنان فامیلی بدون مزد (همسر، فرزندان و...) هستند که بدون دریافت مزد و حقوق، به‌طور منظم و حداقل مدت زمان فعالیت روزانه (زمان معمول کار) برای سازمان فعالیت می‌کنند.

۲۲. جدول ۲-۱۵. متوسط تعداد کارکنان بامزد (تمام وقت و پاره وقت) و بدون مزد اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی ۱۳۸۲

کارکنان			کل	
بدون مزد	با مزد پاره وقت	بامزد تمام وقت		
۲۸۹۹	۲۱۶۸	۳۷۰۲	۸۷۶۸	کل کشور

جدول ۲-۱۶. متوسط تعداد کارکنان بامزد (تمام وقت و پاره وقت) و بدون مزد سازمان‌های سیاسی و سایر سازمان‌های دارای عضو ۱۳۸۴

کارکنان			کل	
بدون مزد	با مزد پاره وقت	بامزد تمام وقت		
۲۷۷۰	۵۱۴	۴۵۷	۳۷۴۱	کل کشور

منبع جداول: مرکز آمار ایران

۲۳. ر.ک. پورتال وزارت کشور

۲۴. همان.

۲۵. ابراهیم انصاری، پیشین، ص ۲۳.

۲۶. همان، صص هفت-هشت.

۲۷. علیرضا ازغندی، درآمدهای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، تهران، قومس، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲۸. ابراهیم انصاری، پیشین.

۲۹. جدول ۲-۱۷ توزیع نسبی جمعیت فعال اقتصادی ۲۵ ساله و بیش‌تر دارای تحصیلات عالی (کل کشور).

شرح	۱۳۶۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
جمعیت فعال اقتصادی ۲۵ ساله و بیش‌تر دارای تحصیلات عالی	۹/۸	۱۳/۸	۱۴/۴	۱۵/۲	۱۵/۹	۱۶/۳	۱۶/۴

منبع: مرکز آمار ایران

به جدول فوق که جمعیت فعال ۲۵ ساله به بالا را پوشش می‌دهد باید آمار افزایش سهم شاغلان دارای تحصیلات عالی از ۹/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴/۳ درصد در سال ۱۳۸۳ و ۱۶/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ را افزود. (گزارش اقتصادی سال

۱۳۸۵) در حالی که اطلاعات جدول عملکرد برنامه‌های اول و دوم- سال ۱۳۷۶ به مثابه برآیند برنامه اول و سال ۱۳۷۸ به‌منزله سال پایانی برنامه دوم- در افزایش سطح تحصیلات عالی را نشان می‌دهند آمار گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵ کارکرد برنامه‌های سوم و چهارم را در گسترش تحصیلات عالی قرار منعکس می‌کند.

۳۰. جدول ۲-۱۸

شرح	برنامه اول ۱۳۷۲-۷۳	برنامه دوم ۱۳۷۸-۷۹	برنامه سوم ۱۳۸۳-۸۴	برنامه چهارم ۱۳۸۵-۸۶
تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی	۴۳۶۵۶۴	۶۷۸۶۵۲	۱۰۱۸۹۸۰	۱۵۳۸۸۷۴
تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی	۳۸۷۵۰۲	۷۲۶۲۲۸	۱۰۹۸۴۹۱	۱۲۸۹۶۳۷

منبع: مرکز آمار ایران، جداول متعدد

افزایش شمار دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی دولتی و آزاد اسلامی در دو جدول زیر منعکس شده است. تفاوت سال‌های انتخاب‌شده ناشی از محدودیت‌های آماری است و سعی شده بر مبنای اطلاعات موجود مناسب‌ترین سال‌ها در بررسی عمل‌کرد برنامه‌های توسعه‌گزینه‌ش شود:

جدول ۲-۱۹

شرح	برنامه اول ۱۳۷۳-۷۴	برنامه دوم ۱۳۷۸-۷۹	برنامه سوم ۱۳۸۲-۸۳	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۸۵
تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی	۷۴۱۷۰	۱۲۲۲۹۷	۱۴۶۸۵۹	۱۵۱۲۸۹

منبع: مرکز آمار ایران، جداول متعدد

جدول ۲-۲۰

شرح	برنامه اول ۱۳۷۳-۷۴	برنامه دوم ۱۳۷۸-۷۹	برنامه سوم ۱۳۸۳-۸۴	برنامه چهارم ۱۳۸۴-۸۵
تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی	۸۱۵۶۲	۱۴۰۶۵۷	۱۷۵۲۸۶	۱۶۲۴۹۷

منبع: مرکز آمار ایران، جداول متعدد

۳۱. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷.

۳۲. جدول ۲-۲۱. شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر برحسب گروه‌های عمده شغلی

آبان ۱۳۸۵		آبان ۱۳۷۵		گروه عمده شغلی
درصد	تعداد* (هزار نفر)	درصد	تعداد (هزار نفر)	
۱۰۰/۰	۲۰۴۷۶	۱۰۰/۰	۱۴۵۷۲	جمع
۲/۹	۶۰۸	۲/۲	۳۲۵	قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران
۷/۷	۱۹۲۳	۸/۷	۱۲۶۳	متخصصان
۴/۶	۱۰۹۰	۳/۱	۴۵۷	تکنیسین‌ها و دستیاران
۴/۸	۹۱۳	۴/۲	۶۱۴	کارمندان امور اداری و دفتری
۱۲/۵	۲۶۰۲	۱۰/۲	۱۴۸۰	کارکنان خدماتی، فروشندگان فروشگاه‌ها و بازاها
۱۹/۲	۳۲۳۶	۲۰/۹	۳۰۴۳	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
۲۰/۷	۴۰۴۲	۲۰/۲	۲۹۴۲	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۱۱/۰	۲۴۰۲	۸/۹	۱۳۰۳	متصدیان (اپراتورها) ماشین‌آلات و دستگاه‌ها، مونتاژکارها و رانندگان وسایل نقلیه
۱۴/۳	۲۵۶۱	۱۳/۲	۱۹۳۱	کارگران ساده
۲/۳	۱۰۹۹	۸/۳	۱۲۱۳	سایر و اظهار نشده.

* اطلاعات سال ۱۳۸۵ به صورت برآورد است.

۳۳. علیرضا ازغندی، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، پیشین، ص ۱۱۵.

۳۴. ر.ک. جمع بندی اولیه از پایگاه اجتماعی در فصل حاضر.

۳۵. جدول ۲-۲۲. توزیع شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر کشور برحسب سه بخش عمده فعالیت اقتصادی طی سال‌های ۸۷-۱۳۶۵ (درصد).

بخش‌های عمده فعالیت	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۳	۱۳۸۷
کشاورزی	۲۹/۰۰	۲۴/۴۸	۲۳/۰۴	۲۲/۹	۲۳/۷
صنعت	۲۵/۲۸	۲۷/۶۱	۳۰/۷۰	۳۰/۱	۳۰/۵
خدمات	۴۲/۴۵	۴۳/۶۲	۴۴/۵۰	۴۷	۴۵/۸

۳۶. همان، صص ۱۲۸-۱۳۰؛ ابراهیم انصاری، پیشین، ص ۲۰۰.

۳۷. ابراهیم انصاری، پیشین.

۳۸. ر.ک. صص ۱۷-۱۵ در فصل حاضر.

۳۹. حسین بشیریه، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۱، ص ۵۵-۵۶.

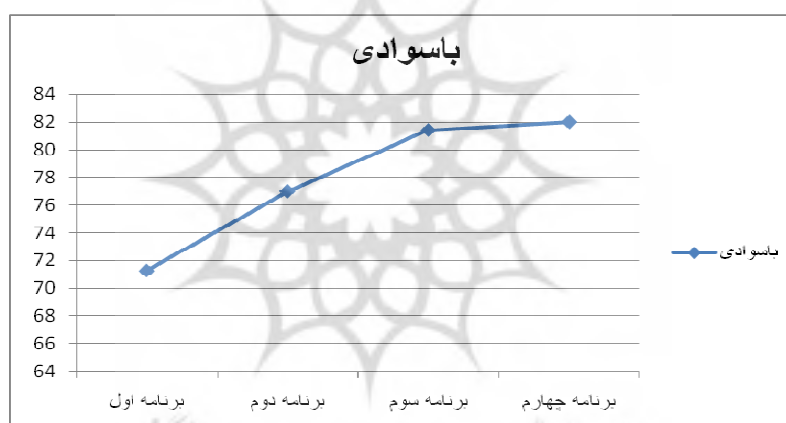
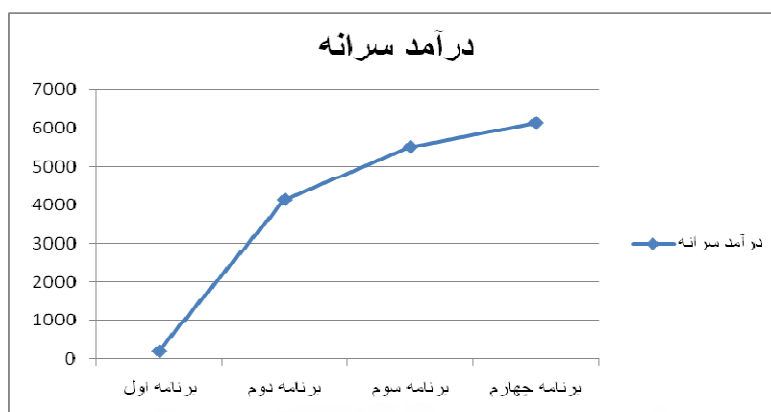
۴۰. محمدتقی ایمان، «رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی مردم در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، آذر و دی ۱۳۷۶، ص ۱۷.
۴۱. محمود سریع القلم، *فرهنگ سیاسی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی*، ۱۳۸۶.
۴۲. محمدعلی بصیری و داریوش شادی‌وند، «رفتار انتخاباتی در جوامع مبتنی بر فرهنگ عشیره‌ای»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شهریور ۱۳۸۰، شماره ۱۶۷-۱۶۸، صص ۱۹۰-۱۹۷.
۴۳. فاطمه صادقی، «بازگشت به مشارکت سنتی: تحلیل سومین دوره انتخابات شوراها»، *فصلنامه گفت‌وگو*، مرداد ۱۳۸۶، شماره ۴۹.
۴۴. ر.ک. گزارش‌های اقتصادی سال ۱۳۷۲.
۴۵. ر.ک. پورتال وزارت کشور.
۴۶. درآمد سرانه افراد در سال ۱۳۷۸ در گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸، ۲۲۵٫۶ هزار ریال و در گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳، ۴۱۴۶٫۵ هزار ریال محاسبه شده است.
۴۷. ر.ک. گزارش عمل‌کرد برنامه دوم و گزارش‌های اقتصادی سال ۱۳۷۸.
۴۸. ر.ک. پورتال وزارت کشور.
۴۹. ر.ک. گزارش‌های اقتصادی سال ۱۳۸۳.
۵۰. ر.ک. پورتال وزارت کشور.
۵۱. ر.ک. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵.
۵۲. ر.ک. پورتال وزارت کشور.
۵۳. که روند تغییر آن‌ها در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۲-۲۳

مؤلفه‌ها	برنامه اول (۶۸-۷۲)	برنامه دوم (۷۴-۷۸)	برنامه سوم (۷۹-۸۳)	برنامه چهارم (۸۴-۸۸)
سن (درصد جمعیت ۱۵-۶۴)	۳۲٫۳	۶۰٫۴	۶۶٫۶۹	۶۹٫۷
درآمد سرانه (هزار ریال)	۲۰۶٫۷	*۴۱۴۶٫۵	۵۵۰۹٫۳	۶۱۳۶٫۰
باسوادی بزرگ‌سالان (درصد)	۷۱٫۳	۷۷	۸۱٫۴	۸۲
محل اقامت (نسبت شهر نشینی به درصد)	۵۷٫۷	۶۳٫۲	-	۶۸٫۵

* میزان درآمد سرانه سال ۱۳۷۸ مندرج در گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ درج شده است.

منبع: گزارش‌های اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی



۵۴. راش، پیشین، صص ۱۴۱-۱۳۹. *پیشگامان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
 ۵۵. آرنی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹. *رتال جامع علوم انسانی*
 ۵۶. همان، ص ۱۷۳.

57. Jessop, *Sate Theory, Putting the Capitalist State in is's Place*, Cambridge, Pollity Press, 1990, p.129.

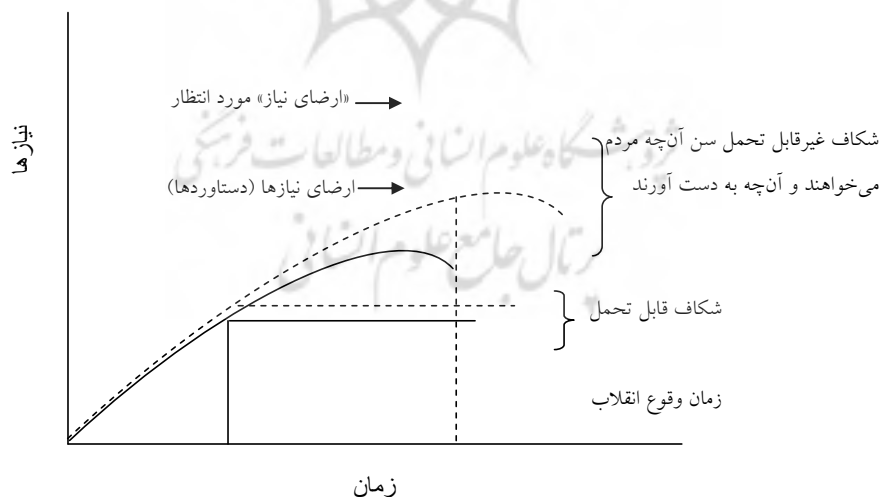
۵۸. محمدحسین طباطبایی، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، پاورقی مرتضی مطهری، چاپ دهم، تهران T صدرا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰-۱۶۰.

۵۹. دوتوکویل که دربارهٔ زمینه‌ها و سرشت انقلاب فرانسه مطالعه نموده است، به بررسی شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فرانسه قبل از انقلاب می‌پردازد و نشان

می‌دهد که چگونه اقدامات اصلاحی حکومت باعث افزایش انتظارات و در نتیجه خشونت و بی‌ثباتی گردید. فرانسه قبل از انقلاب در شرایط نابرابری و بی‌عدالتی وجود داشت و این وضعیت باعث نارضایتی مردم از حکومت گردید و اقدامات دولت برای رفع مسایل و مشکلات مردم ثمربخش نبود و گاهی سیاست‌های دولت در جهت مخالف روند عمومی جامعه بود. توکویل می‌نویسد:

مالیات‌دهندگان که تاکنون از شیوهی غیرمنصفانه‌ی گردآوری مالیات به اندازه کافی در رنج بوده‌اند، اکنون با افزایش غیرمترقبه‌ی مالیات نیز روبرو شده‌اند. به راستی که مالیات‌های تحمیل‌شده بر مستمندترین رعایای ما بدون هرگونه تناسبی به صورت‌های گوناگون افزایش یافته‌اند.

جیمز دیویس نیز در بحث خود درباره انقلاب به رابطه میان افزایش انتظارات و ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و انقلاب می‌پردازد. از دیدگاه وی بی‌ثباتی در جامعه ناشی از توسعه عینی اقتصادی و اجتماعی در جامعه، وضعیت فکری در جامعه و وجود نارضایتی میان مردم است. در زمانی که نارضایتی میان مردم محروم افزایش یافت، میان آن‌ها اتحادی برقرار می‌شود و بی‌ثباتی و انقلاب را به‌همراه دارد. نمودار زیر این وضعیت را نشان می‌دهد.



نمودار فوق گرچه درباره زمینه‌ها و شرایط وقوع انقلاب‌ها است اما بیان‌گر رابطه مستقیمی میان افزایش انتظارات کارگزار، وقوع نارضایتی، بی‌ثباتی و یا مشارکت منفی کارگزار در فرایند توسعه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

۶۰. مرکز آمار ایران.

۶۱. بر این اساس، باید مسأله توازن جمعیتی شیعه و سنی در کشور یکی از محورهای اساسی تدوین برنامه‌های توسعه باشد، زیرا میزان جمعیت اهل سنت در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ در استان‌های سنی‌نشین رو به افزایش بوده و این امر می‌تواند باعث تغییر در توازن جمعیت شیعه و سنی در این مناطق گردد. ر. ک. رضی، ۱۳۸۰.

۶۲. محمد مقیمی، پیشین، ص ۱۸۸-۱۹۲.

۶۳. و کارهای مؤمنین به صورت مشورت در میان آنهاست.

۶۴. هود / ۶۱؛ اوست که شما را از زمین پدید می‌آورد و شما را به عمران آن واداشت.

۶۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۵۰.

۶۶. آل عمران / ۳۸؛ و کارشان مشورت با یکدیگر است.

۶۷. محمدحسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۸۷.

۶۸. ناصر مکارم شیرازی، پیشین، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۵.

۶۹. همان.

۷۰. شوری / ۳۸.

۷۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، قم، کتابخانه آیت‌الله... نجفی مرعشی، ص ۳۳.

۷۲. ر. ک. گزارش‌های اقتصادی سال ۱۳۷۲.

۷۳. ر. ک. پورتال وزارت کشور.

۷۴. درآمد سرانه افراد در سال ۱۳۷۸ در گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۸، ۲۲۵,۶ هزار ریال و در گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳، ۴۱۴۶,۵ هزار ریال محاسبه شده است.

۷۵. ر. ک. گزارش عملکرد برنامه دوم و گزارش‌های اقتصادی سال ۱۳۷۸.

۷۶. ر. ک. پورتال وزارت کشور.

۷۷. ر. ک. گزارش‌های اقتصادی سال ۱۳۸۳.

۷۸. ر.ک. پورتال وزارت کشور.

۷۹. ر.ک. گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۵.

۸۰. ر.ک. پورتال وزارت کشور.

